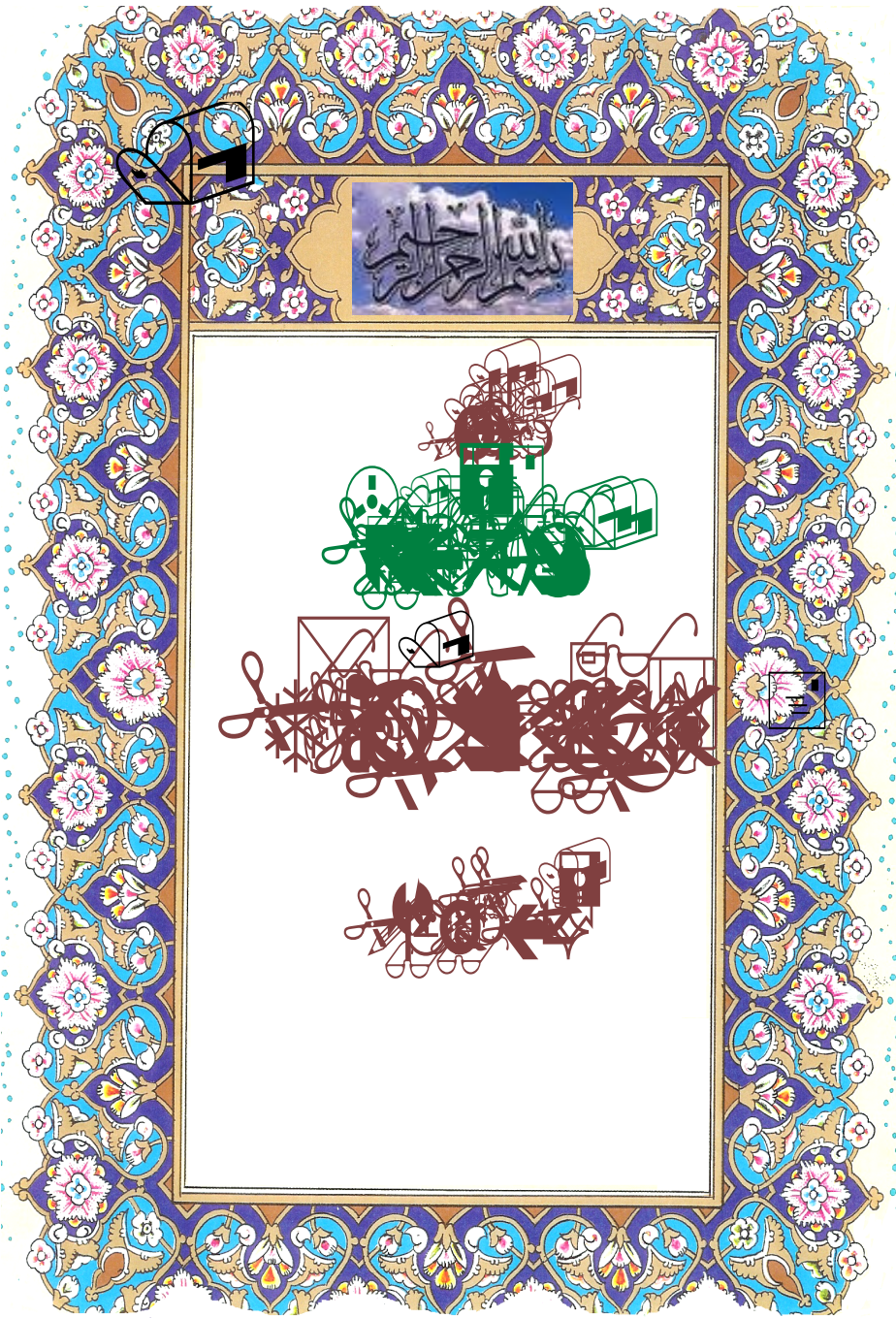




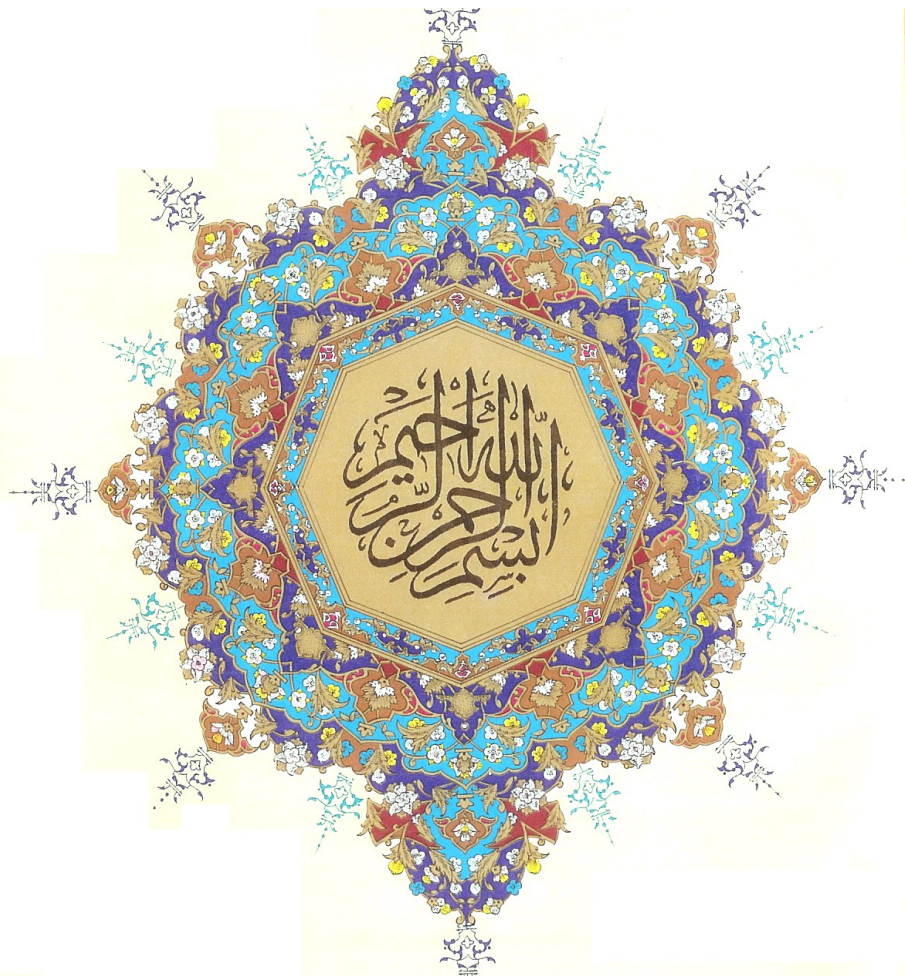


احکام تجوید در معرفت با قرآن





قُلْتُ



**بگو ! بنام خداوند بی نهایت بخشاینده مهر بن**

عَنْ عَثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .

خَيْرُكُمْ مَنْ

تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ

وَ عَلَّمَهُ .

ترجمه:

حضرت عثمان رضي الله عنه ميفرمايد كه آن حضرت صل الله عليه وسلم فرموده اند كه بهترين شما آن شخصي است كه قرآن را بياموزد و به ديگران تعليم بدهد.

رواه البخارى، ابوداود، الترمذى، النسائى و ابن ماجة.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.



## فهرست

شماره	عنوان	صفحه
۲۱	اولین سوره قرآنکریم.....	۱۶
۲۲	آخرین سوره قرآنکریم.....	۱۷
۲۳	آداب تلاوت قرآنکریم.....	۱۸
۲۴	آداب ظاهری تلاوت قرآنکریم.....	۱۸
۲۵	آداب باطنی تلاوت قرآنکریم.....	۱۸
۲۶	تعوذ .....	۱۹
۲۷	بسمله.....	۲۰
۲۸	وصل و فصل تعوذ و بسمله.....	۲۲
۲۹	ابتدای سوره در میان قراعت.....	۲۲
۳۰	ابتدای قراعت در میان سوره.....	۲۲
۳۱	<b>بخش دوم</b>	
۳۲	تعریف علم تجوید.....	۲۳
۳۳	موضوع علم تجوید.....	۲۳
۳۴	حکم علم تجوید.....	۲۳
۳۵	فضیلت علم تجوید.....	۲۴
۳۶	فایده علم تجوید.....	۲۴
۳۷	غرض علم تجوید.....	۲۴
۳۸	اقسام قرانت قرآنکریم .....	۲۴
۳۹	احکام قرانت قرآنکریم.....	۲۵
۴۰	محاسن قرانت قرآنکریم.....	۲۶
۴۱	معائب و نواقص قرانت قرآنکریم.....	۲۷
۴۲	تقسیمات حروف هجا.....	۲۹

شماره	عنوان	صفحه
۲۱	اولین سوره قرآنکریم.....	۱۶
۲۲	آخرین سوره قرآنکریم.....	۱۷
۲۳	آداب تلاوت قرآنکریم.....	۱۸
۲۴	آداب ظاهری تلاوت قرآنکریم.....	۱۸
۲۵	آداب باطنی تلاوت قرآنکریم.....	۱۸
۲۶	تعوذ .....	۱۹
۲۷	بسمله.....	۲۰
۲۸	وصل و فصل تعوذ و بسمله.....	۲۲
۲۹	ابتدای سوره در میان قراعت.....	۲۲
۳۰	ابتدای قراعت در میان سوره.....	۲۲
۳۱	<b>بخش دوم</b>	
۳۲	تعریف علم تجوید.....	۲۳
۳۳	موضوع علم تجوید.....	۲۳
۳۴	حکم علم تجوید.....	۲۳
۳۵	فضیلت علم تجوید.....	۲۴
۳۶	فایده علم تجوید.....	۲۴
۳۷	غرض علم تجوید.....	۲۴
۳۸	اقسام قرانت قرآنکریم .....	۲۴
۳۹	احکام قرانت قرآنکریم.....	۲۵
۴۰	محاسن قرانت قرآنکریم.....	۲۶
۴۱	معائب و نواقص قرانت قرآنکریم.....	۲۷
۴۲	تقسیمات حروف هجا.....	۲۹

شماره	عنوان	صفحه	شماره	عنوان	صفحه
۶۵	احکام حرف را	۵۱	۴۳	مخارج حلق	۲۹
۶۶	فرق بین الف و همزه	۵۲	۴۴	تقسیمات دندانه‌ها	۳۰
۶۷	را ، اماله	۵۲	۴۵	مخارج دهن	۳۱
۶۸	نون قطنی	۵۲	۴۶	شکل تلفظ حروف هجا	۳۲
۶۹	معرفت وقف	۵۳	۴۷	مخارج شفتین (لبها)	۳۵
۷۰	طرق وقف	۵۴	۴۸	اقسام حروف	۳۵
۷۱	اقسام وقف	۵۵	۴۹	حروف علت	۳۵
۷۲	علایم وقف	۵۶	۵۰	حروف اصلی	۳۵
۷۳	اشباع ها ظمیر	۵۹	۵۱	حروف متروکه	۳۶
۷۴	عدم اشباع ها ظمیر	۵۹	۵۲	صفات حروف	۳۶
۷۵	سکته	۵۹	۵۳	صفات متضاد	۳۶
۷۶	حروف جر	۵۹	۵۴	صفات غیر متضاد	۳۸
۷۷	صفر مستدیر	۶۰	۵۵	احکام مد	۳۹
۷۸	صفر مستطیل	۶۰	۵۶	اقسام مد	۴۰-۴۳
۷۹	لوزی شکل	۶۰	۵۷	نون ساکن و تنوین	۴۳
۸۰	نقطه	۶۰	۵۸	احکام نون ساکن و تنوین	۴۴-۴۵
۷۱	ساکن	۶۰	۵۹	اقسام ادغام از نظر حروف هجا	۴۶
۷۲	حروف حای طهر	۶۱	۶۰	احکام میم ساکن	۴۷
۷۳	حروف نَقَصَ عَسَلُکُمْ	۶۱	۶۱	حکم میم مشدد و نون مشدد	۴۸
۷۴	شرح تمام احکام تجوید	۶۲	۶۲	احکام لام ساکن	۴۸
۷۵	دعا قبل از تلاوت قرآن کریم	۶۳	۶۳	تفخیم و ترفیق لام لفظ الله (ج)	۵۰
۷۶	دعا ختم قرآن کریم	۶۴	۶۴	تفخیم و ترفیق الف	۵۰

# بنام پروردگار یکتا

پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
وَ عَلَى آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ أَجْمَعِينَ .

سپاس بی پایان خداوند رحمن را ، که برایم توفیق عنایت فرمود تا با گام نخست در راه اعتلای فرهنگ اسلامی خود شالوده خلوص نیت خود را در پیشگاه ذات کبریایش ، قرآن ، دین مبین اسلام و رهروان محمدی ریخته و بتوانم در آینده نزدیک گام های بعدی و جهاد دیگرم را پی ریزی نمایم.

هر چند موازین ترتیل و تجوید و احکام آن منشا دارد از يك منبه واحد که بار بار با افاده ها و شیوه های متمایز از هم از دیدگاه های مختلف تالیف و طبع گردیده است ؛ اما این احساس که جوانان و دانش آموزان عزیز در مسیر زندگی و در روند تعلیمی خود ؛ اطلاعات کافی در رابطه با اصول اساسی تجوید و ترتیل و دانستنی های از قرآنکریم ( که لازم و ملزوم همدیگر اند و چون نزول اولین آیات مبارکه ) سورة علق پاره سی) و آیت چهارم) سورة زمیل ) بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی صل الله علیه وسلم تاکید بر قرائت قرآنکریم با ترتیل بوده است ( وَ رَبِّی الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً ) و همچنان موازین ترتیل و احکام تجوید در کتاب مقدس و آسمانی ما قبل قرآن قابل تطبیق و غور است) داشته باشند و برای تعالی و موفقیت خویش از این گرد آورده که در دو بخش (معرفت با قرآنکریم) و (احکام اتجوید) ترتیب گردیده است ؛ استفاده مزید نمایند) هدف اساسی تالیف بوده است.

امید وارم خواهران و برادران مسلمان و دیانت شعار افغان با استفاده مزید از این کتاب مؤثر نه تنها اجر و ثواب الهی را نصیب خویش گردانند بلکه به نوبه خوو دین ایمانی و اسلامی خود را در برابر خداوند (ج) و قرآنکریم تحکیم بخشیده و نیز مؤلیف را از رهنمایی های سازنده و دعا های مستجاب خویش بی نصیب نگذارند.

وَ مِنَ اللَّهِ تَوْفِيقُ.

نظیفه رحیمی

سرطان ۱۳۷۸ ه.ش

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش اول

## معرفت قرآنکریم

قرآنکریم کتاب خداوند (ج) است ، که بواسطه حضرت جبرئیل(ع) به حضرت محمد(ص) نازل شده و به صورت متواتر بدون کدام شبهه به ما رسیده است توسط حروف در اوراق ثبت ، بزبان تلاوت ، بگوشها شنیده و در دل ها نگهداری شده است. قرآنکریم کلام قدیم خداوند و بذات او قایم و غیر مخلوق است که به اصطلاح علم کلام آنرا کلام نفسی گویند.

## وجود قرآنکریم

وجود قرآن به چهار قسم است

- ۱ - وجود کتبی. کلامیکه نوشته شده است.
  - ۲ - وجود لفظی. کلامیکه تلاوت و بزبان تلفظ میشود.
  - ۳ - وجود ذهنی. کلامیکه در ذهن موجود است.
  - ۴ - وجود عینی. کلامیکه صفت پروردگار است.
- قرآنکریم آخرین کتاب پروردگار است که تا روز قیامت هیچ کتاب و صحیفه بعد از آن نازل نمیشود این کتاب مقدس از جانب خداوند(ج) توسط حضرت جبرئیل (ع) به حضرت محمد(ص) در مدت بیست و سه سال بنا بر ضرورت گاهی يك آیت گاهی کمتر از يك آیت و گاهی يك سوره نازل گردیده است.

قرآنکریم به جمله ( الْحَمْدُ لِلَّهِ ) آغاز وبه کلمه (النَّاسُ) ختم شده است،قرآنکریم با همین نظم موجود در شب لیلة القدر ماه مبارک رمضان جمعاً به آسمان دنیا نازل بعداً بنا بر احتیاج و ضرورت به حضرت محمد (ص) فرستاده شد.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ\*

(هر آئینه ما فرودستادیم قرآن را در شب قدر)

سورة مبارکه القدر آیه (۱)



کدام شخصی که علم قرانرا حاصل کرد او علم نبوت را در پیشانی خود جمع کرده و هم میفرمایند اینکه علامت محبت با خداوند(ج) اینست که محبت کلام او در دل باشد. در مورد حفظ قرآنکریم ابن عباس (رض) از حضرت محمد (ص) روایت میکند که رسول الله (ص) فرموده اند که کسی که در قلب او چیزی از قرآن نباشد قلب او مانند خانه ویرانست.

در مورد حفظ قرآنکریم از نظر فقه اسلام آنقدر حفظ کردن قرآنکریم که به واسطه آن نماز پنج وقت ادا شود فرض عین است، و حفظ کردن تمام قرآنکریم فرض کفائی است، اگر خدایی ناخواسته در بین مسلمانان یک قاری قرآن موجود نباشد همه مسلمانان گنہکار و مسؤل میباشند.

## مراتب نزول و جمع آوری قرآنکریم

قرآنکریم به سه مرحله به حضرت محمد (ص) نازل شده است.

۱. لوح محفوظ.

۲. بیت العزت.

۳. نزول بر حضرت محمد(ص).

۱. **لوح محفوظ:** نام لوح است که آنچه بر خلائق گذشته و میگذرد و یا در کائنات رونما میگردد در آن درج است که هیچ نوع تغیرو تبدیل در آن واقع نمیشود چنانچه ملائک در شب قدر به لوح محفوظ میروند و وظایف خود را از آنجا میگیرند نظر به آیه مبارکه، قَالَ تَعَالَى:

**بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ \* فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ \*** **سوره مبارکه بروج آیت (۲۱ الی ۲۲)**

**ترجمه:** بلکه این قرآن گرامیقدر است نوشته شده در لوح محفوظ.  
۲. **بیت العزت:** (خانه عزت) بیت العزت که در آسمان دنیا وجود دارد، قرآنکریم به یکبارگی از لوح محفوظ به بیت العزت نازل شده که این حادثه در شب قدر ماه مبارک رمضان صورت پذیرفته است.

۳. **نزول به حضرت محمد (ص):** در ماه مبارک رمضان در غار کوه حرا اولین آیات قرآنکریم نازل شده است.

**اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* إقرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ \*** **سوره مبارکه علق آیت (۱ الی ۵)**

**ترجمه:** بخوان بنام رب خویش آنکه خالق همه چیز است \* آفرید انسانرا از خون بسته \* بخوان و رب تو بسیار کریم است \* آنکه علم آموخت انسانرا بواسطه قلم \* آموخت انسانرا آنچه نمیدانست \*

قرآنکریم با همین چگونگی و کیفیت موجود از جانب پروردگار عالم نازل گردیده طوریکه حضرت جبرئیل (ع) آنرا به حضرت محمد (ص) با همان طور خاص بر اصحاب کرام رضی الله عنهم تعلیم داده اند که بدون هیچ گونه تغیر به دسترس ما قرا گرفته است. قرآنکریم کتابیست شفا بخش امراض ظاهری و باطنی و میفرماید:

**و نَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ \***

**ترجمه:** و میفرستیم از قرآن آنچه را که شفا ( امراض جسمی و روحی) و رحمت (منفعت است) برای مؤمنان.

سوره مبارکه بنی اسرائیل آیت (۸۲)

قرآنکریم آن معجزه رسالت محمدیست که تا روز قیامت بر اعجاز خویش باقیست و هیچکس توان ساختن يك آیه و یا سوره آنرا ندارد چنانکه ذات مقدس میفرماید:  
**وَ إِنْ كُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَی عِبْدِنَا فَآتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \***

**ترجمه:** و اگر هستید در شك از آنچه فرستادیم بر بنده خویش محمد (ص) پس بیارید يك سوره همانند آن و بخوانید همکاران خودرا بغیر الله(ج) اگر راست گویانید.  
**سوره مبارکه بقره آیت (۲۳)**

برقرآن ایمان داشتن حتمی و ضروری است، از يك سوره و یا جزء آن انکار نمودن کفر است. قرآنکریم بزرگترین معجزه الهی و نخستین دلیل نبوت حضرت محمد(ص) بعد از اعلام نبوتش بر مردم است، خداوند (ج) در کلام پاکش میفرماید: وما بر تو قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمانان هدایت، رحمت و بشارت باشد.

در مورد اجرتلاوت قرآنکریم حضرت ابو سعید رضی الله عنه ارشاد آنحضرت(ص) را نقل میکند که خداوند(ج) میفرماید: که کدام شخصی که از جهت کثرت تلاوت قرآن به ذکر من و دعا کردن از من فرصت نمیباید من او را از همه دعا کنندگان زیادتر میدهم.

کلام ذات مقدس اینگونه فضیلت دارد چگونه که خداوند(ج) به همه مخلوق خود فضیلت دارد. از نظر درجه بندی تلاوت قرآنکریم، تلاوت قرآنکریم دو درجه دارد.

۱. **درجه کامل:** انسان قرآنرا بامطالبت و مقاصد آن بیاموزد.

۲. **درجه ادنی:** اینکه تنها الفاظ قرآنرا بیاموزد.

این موضوع واضح و روشن است که قرآنکریم کلام الهی و از همه کلام ها افضل تراست پس آموختن قرآن با تجوید و ترتیل و تعلیم دادن آن به دیگران نیز بر همه چیز ها افضل تراست.

حضرت محمد (ص) میفرماید:

# اقسام سوره های قرآن کریم از نظر تعداد آیات.

سوره های قرآن کریم به جز از سوره فاتحه که در حقیقت خلاصه و به منزله فهرست آنست به چهار بخش تقسیم شده است.

۱. **السبع الطول:** السبع الطول ویا هفت سوره های بلند که عبارت است از سوره های بقره ، آل عمران ، نساء ، مائده ، اعراف ، (انفال و برائت ) که در میان آندو بِسْمِ اللَّهِ وجود ندارد.

۲. **سوره های منین:** سوره ها ئیکه همه آ آنها یکصد آیت و یا با مقدار کم و یا زیاد اند. از سوره دهم الی بسیت سوم را متوان جز این سوره ها محسوب کرد.

۳. **سوره های مثنائی:** سوره هائیکه در زبان مردم بسیار تکرار میشود که نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه اند این سوره از سوره های مثنی آغاز و به سوره چهل نهم سوره حجرات ختم میشود.

۴. **سوره های مفصلات:** سوره های کوتاه که فصل ، فصل و جدا ، جدا اند و در بین آنها بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ دیده میشود که به سه نوع اند.

۱. **طوال:** سوره های نسبتاً بلند که از سوره (ق) شروع و تا سوره (بروج) ادامه دارد.
۲. **اوساط:** سوره های متوسط که از سوره (طارق) شروع و تا سوره (بینه) ادامه دارد.
۳. **قصار:** سوره های بسیار کوتاه که از سوره (زلزله) شروع و تا به سوره (الناس) ادامه دارد.

از حضرت محمد(ص) روایت شده است:

که خداوند(ج) هفت سوره بلند را به جای تورات شریف سوره های مثنی را به جای انجیل شریف و سوره های مثنائی را به جای زبور شریف به من عطا کرده است.

# اقسام سوره های قرآن کریم از نظر گروپ.

سوره های قرآن کریم از نقطه نظر گروپ به چندین نوع اند که قرار ذیل است.  
سوره های که با الم آغاز شده اند به نام سوره های (الم) یاد میشوند. هکذا سوره هائیکه با سَبَّحْ ویا يُسَبِّحْ آغاز شده اند بنام سوره های (مَسْبُحَات) ، سوره هائیکه با المرأ آغاز شده اند بنام سوره های (المرأ) و سوره هائیکه با الْحَمْدُ آغاز شده اند بنام سوره های (حمد) یاد گردیده اند.

در زمان حضرت محمد (ص) قرآن کریم به شکل آیه ، آیه بود در روی سنگها و برگهای درخت خرما نوشته حفظ میکردید. در زمان خلافت حضرت ابوبکر صدیق (رض) به اثربغاوت مسلمة بن کذاب تعداد زیادی حافظین قرآن کریم شهید شدن و بیم آن میرفت و بیم آن میرفت که تعداد حافظین قرآن از بین بروند، بناً حضرت ابوبکر صدیق (رض) به حضرت زید بن ثابت (رض) وظیفه سپردند تا قرآن کریم جمع و حفاظت نماید، حضرت زید بن ثابت (رض) با متحمل شدن زحمات زیاد موفق به جمع آوری قرآن کریم شدند و نسخه از آن جور و نزد بی بی حفصه (رض) گذاشت از همین جهت است که حضرت زید بن ثابت (رض) کاتب وحی میگویند خطاب میکنند. در زمان خلافت حضرت عثمان (رض) چون دین اسلام و اسلام توسعه پیدا کرد از نسخه که نزد ام المؤمنین بی بی حفصه (رض) بود نسخه های دیگری نوشته شد و به تمام ممالک اسلامی روان شد. در زمان اموی ها نظر به امر حجاج بن یوسف قرآن کریم تحت نظر علما دینی علامه گذاری شد تا معنی و مفهوم آن صحیح دانسته شود و نسخهای زیادی ترتیب نمودن و به ممالک اسلامی ارسال نمودند.

# آیه ها

هریک از جملات و عبارات قرآن کریم طبق تعیین حضرت محمد (ص) آیه نامیده میشود. آیه در لغت به معنی نشانه است که جمع آن آیات است ، همان طوریکه هر پدیده طبیعت نشانه از قدرت و وجود خداوند (ج) است آیات قرآن کریم نیز نشانه از قدرت و حکمت الهی است.  
در زبان قرآن آیه به معجزه نیز اطلاق شده است زیرا نشانه از قدرت آفریدگار به منظر تصدیق پیامبر است.

# سوره ها

تعداد معینی از آیات قرآن کریم که مجموعاً دارای اسم خاص میباشند بنام سوره یاد میشوند دریک سوره سه آیت و حد اکثر ۲۸۶ آیت است.



۲. سوره هائیکه دارای سجده های مستحبی اند.  
 ۳. سوره هائیکه دارای سجده تلاوت نمیباشند.

## تفصیل:

۱. سوره هائیکه دارای سجده های واجبه اند  
 این سوره ها بنام سوره های عزائیم نیز یاد میشوند ، عزائیم جمع عزیمت است و به معنی قصد و اراده میباشد. سوره هائیکه در آنها سجده های واجبه وجود دارد و در موقع خواند و یا شنیدن باید حتماً سجده کرد و برای این مطلب تصمیم قطعی داشت ؛ چنانچه شارع مقدس هم انجام آنها را به طور قطع خواسته است. سوره های عزائیم قرار ذیل اند.

۱. سوره مبارکه سجده پاره ( ۲۱ )  
 ۲. سوره مبارکه فصلت پاره ( ۲۴ )  
 ۳. سوره مبارکه نجم پاره ( ۲۷ )  
 ۴. سوره مبارکه علق پاره ( ۳۰ )

۲. سوره هائیکه دارای سجده های مستحبی اند.

در قرآنکریم در ده جای دیگر سجده های مستحبی وجود دارد که در این سوره ها سجده های واجب نیست ولی لازمی و ضروری است این سوره ها را بنام سوره های عزائیم یاد نمکنند بلکه بنام سوره های مستحبی یاد میشوند این سوره ها جهت داشتن سجده های مستحبی بنام سوره های (مندونه ) نیز یاد میشوند ، قبل یاد آوریمت که بنا بر قول امام مالک (رحمت الله علیه) در سوره حج دو بار سجده مندوبه واقع شده که بنا بر این قول جمعاً تعداد سجده های تلاوت قرآنکریم به پانزده سجده میرسد ولی بنا برقول مشهور تعداد سجده های تلاوت قرآنکریم چهارده سجده میباشد. سوره هائیکه دارای سجده های مستحبی اند قرار ذیل میباشد.

۱. سوره مبارکه الاعراف پاره ( ۹ )  
 ۲. سوره مبارکه الرعد پاره ( ۱۳ )  
 ۳. سوره مبارکه النحل پاره ( ۱۴ )  
 ۴. سوره مبارکه الاسرا پاره ( ۱۵ )  
 ۵. سوره مبارکه مریم پاره ( ۱۶ )  
 ۶. سوره مبارکه الحج پاره ( ۱۷ )

البته سوره هائیکه با قُل آغاز میشوند بنام سوره های(قُل) سوره هائیکه با طس و طسم آغاز شده اند بنام سوره های (طواسین) و سوره های اَلْبقره و آل عمران را به جهت کثرت احکام شرعیه که در آن دو آمده بنام سوره های زهروان یعنی سوره های پرنور و درخشان قرآنکریم و سوره های الفلق و الناس که هر دو با قُل اَعُوذُ آغاز شده بنام سوره های (مُعَوِّذَ تَيْنِ) نامیده میشوند.

## اقسام سوره های قرآنکریم از نظر محل نزول.

آیه ها و سوره های قرآنکریم از نقطه محل نزول و زمان نزول به دو قسم(مکی) و (مدنی) تقسیم شده اند، که در تعریف آنها سه قول است.

۱. هر آیه که در مکه یا اطرافش نازل شده باشد (مکی) و آنچه در مدینه نازل شده (مدنی) است ، و آنهائیکه دور از مکه و مدینه نازل شده اند نه مکی اند و نه مدنی.  
 ۲. هر آیت که سر آغاز آن خطاب به عموم است یعنی (يَا أَيُّهَا النَّاسُ) مکی و هر آیه که خطاب به مؤمنین است یعنی(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) مدنی هستند با آنهم در این مورد اشکالی موجود دارد. (سوره نساء و سوره حج)  
 ۳. ولی بنا بر قول مشهور هر آیه که پیش از هجرت نازل شده مکی اند اگر چی در غیر مکه نازل شده باشند و هر آیه که بعد از هجرت نازل شده اند مدنی نامیده میشوند اگر چی در غیر مدینه نازل شده باشند.

## خواص و تعداد سوره های مکی و مدنی.

۱. سوره های مکی موضوعات عقیدوی ، اخلاقی احتوا کرده این سوره ها مردم را متوجه کائنات میسازد و لفظ زجر و توبیخ در آنها استعمال شده است و تعداد شان ( ۸۶ ) سوره اند.  
 ۲. سوره های مدنی احکام و قوانین ، دعوت یهود و نصارا بر دین اسلام را در بر گرفته طویل میباشدند و تعداد شان ( ۲۹ ) سوره اند.

## اقسام سوره های قرآنکریم از نقطه نظر سجده های تلاوت.

- از نقطه نظر سجده های تلاوت قرآنکریم سوره های قرآن به سه نوع اند که قرا ذیل میباشدند.  
 ۱. سوره هائیکه دارای سجده های واجبه اند.

۷. سوره مبارکه الفرقان پاره ( ۱۹ )  
 ۸. سوره مبارکه النمل پاره ( ۱۹ )  
 ۹. سوره مبارکه ص پاره ( ۲۳ )  
 ۱۰. سوره مبارکه انشقاق پاره ( ۳۰ )

۳. سوره هائیکه دارای سجده تلاوت نمیباشند.

به جز از سوره هائیکه دارای سجده های واجبه اند و سوره هائیکه دارای سجده های مستحبی اند دیگر تمام سوره های قرآنکریم دارای سجده تلاوت نمیباشند. که تعداد شان به یکصد سوره میرسد.

## معرفت با سجده تلاوت

در قرآن مجید چهارده آیت چنان است که با خواندن و یا شنیدن آن سجده واجب میگردد چه تمام آیت تلاوت گردد و چه کلمه سجده با جمله ما قبل و ما بعد آن خوانده شود. این سجده بنام سجده تلاوت یاد میگردد.

آنحضرت (صل الله علیه وسلم) می فرماید:

وقتیکه انسان آیت سجده را خوانده و سجده میکند، شیطان در گوشه نشسته و به آه و گریه می پردازد و میگوید وای افسوس! به فرزند آدم حکم سجده داده شد و او سجده کرد و مستحق جنت گشت و به من حکم سجده داده شد و من سرباز زدم و مستحق آتش دوزخ شدم. ( صحیح مسلم، ابن ماجه )

## شروط سجده تلاوت

همان شرط های که برای نماز است برای سجده تلاوت نیز میباشد البته چیز هائیکه موجب فاسد شدن نماز میشود سجده تلاوت را نیز فاسد میکند. سجده تلاوت قرآنکریم چهار حکم دارد که ذیلاً به تشریح آن می پردازیم.

### ۱. طهارت:

الف. پاك بودن بدن :

یعنی باید بدن از نجاست غلیظه و حکمیه هردو پاك باشد، اگر به وضو ضرورت باشد باید وضو گرفت و اگر به غسل احتیاج باشد باید غسل نمود و بعداً سجده نمود.

ب. پاك بودن لباس:

ت. پاك بودن جای نماز.

۲. ستر عورت.  
 ۳. استقبال قبله: ( رو به طرف قبله نمودن )  
 ۴. نیت سجده تلاوت:

اما تخصیص آیت سجده در وقت نیت شرط نیست و اگر سجده تلاوت در میان نماز صورت گیرد نیت هم شرط نمیباشد.  
 (نیت کردم ادا سازم سجده تلاوت قرآنکریم در این وقت حاضر خاص الله تعالی الله اکبر)

قابل یاد آور است که نزد بعضی از علما داشتن وضو برای سجده تلاوت شرط نیست اما نزد علما اهل حدیث سجده تلاوت را با وضو انجام دادن افضل بوده و بدون وضو نیز جایز میباشد. اما جمهور علما منجمله علامه مودودی(رح) در مورد سجده تلاوت می نویسند، که بر این سجده همان شروطی لازمی است طوریکه بر نماز لازم است مانند وضو، استقبال قبله، و مانند سجده نماز سر را به زمین گذاشتن ، اما در احادیثی که در باب سجده تلاوت بما رسیده هیچ دلیلی برای شروط مذکور موجود نیست.

از احادیث مذکور برمیآید که وقتی شخصی آیت سجده را میخواند در هر حالی که باشد باید خم شود چه وضو داشت و یا نه، چه استقبال قبله ممکن بود و یا نه ، و چه فرصت سر گذاشتن سر به زمین را داشت و یا نه.

## طریقه سجده تلاوت

رو به قبله ایستاده شده ، نیت سجده تلاوت نموده و با گفتن (الله اکبر) باید به سجده رفت و پس از سجده با گفتن ( الله اکبر ) باید بر خاست، قابل یاد آور است که به خواندن تشهد درود شریف و سلام گشتا ندن ضرورت نیست.

در حالیکه شخص نشسته باشد نیز میتواند به سجده تلاوت برود اما رفتن به سجده تلاوت از حالت ایستاده فضیلت بیشتری دارد.

در سجده تلاوت بر علاوه ( سبحان ربی الاعلی ) میتوان تسبیحات مسنونه دیگر را نیز خواند ، اما سجده تلاوتی که در نمازهای فرضی واقع شود ، در آن گفتن ( سبحان ربی الاعلی ) بهتر است. در نوافل و خارج از نماز در سجده تلاوت هر تسبیحی را میتوان خواند ، بطور مثال این تسبیح:

سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ قَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ \*  
 ترجمه:

سجده کرد روی من به حضور ذاتی که خلق کرد آنرا و در آن گوش و چشم نهاد، این هم از نیرو و قوت اوست، پس با برکت است خداوندی که بهترین پیدا کنندگان میباشد.

## موجب و موضع سجده تلاوت قرآن کریم

چون سجده تلاوت قرآن کریم واجب است پس باید قاری محل و کلمه که بالای آن سجده واجب میگردد و سبب سجده را بداند. محل و کلمه که سجده تلاوت را واجب میگرداند قرا ذیل اند.

۱.	درسوره الاعراف	رکوع ۲۴	موجب سجده	يَسْجُدُونَ	موضع سجده	يَسْجُدُونَ
۲.	درسوره النمل	رکوع ۶	موجب سجده	وَاللهِ يَسْجُدُ	موضع سجده	مَا يُؤْمَرُونَ
۳.	درسوره الرعد	رکوع ۲	موجب سجده	وَاللهِ يَسْجُدُ	موضع سجده	وَالْأَصَالِ
۴.	درسوره الاسرا	رکوع ۱۲	موجب سجده	لِلْأَرْقَانِ سَجْدًا	موضع سجده	خُشوعًا
۵.	درسوره مريم	رکوع ۴	موجب سجده	خَرُّوا سُجَّدًا	موضع سجده	بُكْيًا
۶.	درسوره الحج	رکوع ۲	موجب سجده	يَسْجُدْ لَهُ	موضع سجده	مَا يَشَاءُ
۷.	درسوره الفرقان	رکوع ۵	موجب سجده	أَوْ سَجْدًا	موضع سجده	نُفُورًا
۸.	درسوره النحل	رکوع ۲	موجب سجده	لَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ	موضع سجده	رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
۹.	درسوره السجده	رکوع ۲	موجب سجده	خَرُّوا سُجَّدًا	موضع سجده	لَا يَسْتَكْبِرُونَ
۱۰.	درسوره ص	رکوع ۲	موجب سجده	وَحَرُّ	موضع سجده	أَنْتَابِ
۱۱.	درسوره حم سجده	رکوع ۵	موجب سجده	وَسَجُدُوا لِلَّهِ	موضع سجده	لَا يُسْخَمُونَ
۱۲.	درسوره النجم	رکوع ۳	موجب سجده	فَاسْجُدُوا	موضع سجده	وَاعْبُدُوا
۱۳.	درسوره الانشقاق	رکوع ۱	موجب سجده	يَسْجُدُونَ	موضع سجده	يَسْجُدُونَ
۱۴.	درسوره علق	رکوع ۱	موجب سجده	وَسَجُدُوا	موضع سجده	وَاقْتَرِبْ

## نکته های عمده در مورد سجده تلاوت قرآن کریم

۱. سجده تلاوت بر اشخاصی واجب میباشد که نماز بر ایشان واجب است و بر زنانیکه در حال حیض یا نفاس باشد یا بر طفل نابالغ یا بر شخص مد هوش که بیش از یک شبانه روز بر مدهوشی اش گذشته باشد واجب نیست.

۲. اگر آیت سجده در نماز تلاوت گردد فوراً سجده واجب میشود، اجازه تا خیر نیست، اما در خارج از نماز وقتی که آیت سجده خوانده شود هر چند فوراً سجده کردن بهتر است اما در تا خیر نیز حرجی نمی باشد، البته تا خیر بدون دلیل مکروه تنزیهی است.

۳. اگر در نماز آیت سجده تلاوت شود، سجده آنرا در همان نماز ادا کردن واجب است و خارج از آن جایز نمیشد همچنان نمیتوان آنرا در نماز دیگر ادا کرد. اگر شخصی آیت سجده را در نماز بخواند و سجده آنرا فراموش کند تلافی آن فقط توبه و استغفار میباشد، اما اگر نماز مذکور فاسد شود آن سجده را میتوان در خارج نماز ادا کرد.

۴. اگر شخصی نماز میخواند و یا نماز میدهد و از شخصی دیگری آیت سجده را بشنود چه این شخص آنرا بخواند یا خارج از نماز، بر شخص اول چه منفرد باشد و چه امام سجده تلاوت در نماز واجب نمی گردد و بعد از فراغت از نماز سجده تلاوت را ادا کند و اگر در نماز آنرا ادا نماید هم سجده ادا نمی شود و هم نماز فاسد میشود.

۵. اگر مقتدی آیت سجده را بخواند سجده نه بر امام واجب میگردد و نه بر مقتدی (در حال خفیه خواندن)

۶. اگر شخصی آیت سجده را از امام شنید، اما وقتی شامل جماعت گردید که امام سجده تلاوت را ادا کرده باشد، اگر وی در رکعتی شامل جماعت شود که امام در آن سجده را ادا کرده باشد سجده او نیز ادا شده است اما اگر در رکعت دیگری شامل جماعت شود باید بعد از نماز سجده مذکور را ادا کند.

۷. اگر شخصی آیت سجده را در دل خود بخواند و بر زبان نخواند یا فقط آنرا بنویسد یا حرف، حرف علیحده علیحده بخواند، سجده واجب نمی گردد.

۸. اگر در یک محل یک آیت سجده چندین بار خوانده شود فقط یک سجده واجب میگردد و اگر چند آیت سجده در چند مجلس خوانده شود به همان تعداد سجده واجب است و اگر یک آیت سجده در چند مجلس خوانده شود به همان تعداد مجالس سجده واجب میگردد.

۹. اگر در وقت تلاوت همه شنوندگان با وضو باشند و سجده کرده بتوانند، آیت سجده را به آواز بلند تلاوت کردن بهتر است اما اگر بی وضو باشند و یا امکان سجده کردن نباشد، بهتر آنست که آهسته خوانده شود، زیرا ممکن است که شنوندگان سجده کردن در وقت دیگر را فراموش نموده و بدین ترتیب گنهگار گردند.

۱۰. آیات ما قبل و ما بعد آیت سجده را خواندن و آیت سجده را ترک کردن و یا تمام سوره را خواندن و آیت سجده را گذاشتن مکروه میباشد.

۱۱. در نماز های سری نباید سوره را خواند که در آن سجده باشد، به همین ترتیب این مسله را در نماز های جمعه و عیدین و یا نماز دیگری مانند اینها که تعداد زیادی از مردم جمع شده باشند باید مد نظر داشت تا مقتدیان در اشتباه نیفتیده و خللی در نماز

ترجمه:

(حرام کرده شد بر شما مردار و خون یعنی مسفوح و گوشت خوك و آنچه نام غير الله بوقت ذبح او ياد شود و آنچه به خفه کرده مرده باشد و آنچه بسنگ و يا بعصا مرده باشد و آنچه از جای بلند افتاده بمیرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد الا آنچه بعد آفتها ذبح کرده باشید حرام است، و آنچه ذبح کرده باشد بر نشانهای معبود باطل و حرام کرده شد آنکه طلب کنید معرفت قسمت خود به تیرهای قال، این همه فسق است. امروز نا امید شدند کافران از دین شما پس مترسید از ایشان و بترسید از من ، امروز کامل کردم برای شما دین شمارا و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما ، پس هر که نا چار شود در گرسنگی غیرمائل به گناه پس هر آهینه خدا آمرزنده مهربان است.)

ولی بنا بر قول مشهور آیت ۲۸۱ سوره مبارکه البقره از جمله آخرین آیت قرآن کریم محسوب میشود.

وَالْتَقُوا يَوْمَ تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ\*

ترجمه:

و حذر کنید از آن روز که باز گردانیده شود در آن بسوی خدا پس تمام داده شود هر شخصی را هر آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند.

## منازل قرآن کریم.

قرآن کریم دارای هفت منزل است که فرا ذیل مییابد.

منزل اول	از سوره الفاتحه	تا	سوره المائده	جزء ششم ادامه دارد.
منزل دوم	از سوره المائده	تا	سوره یونس	جزء یازدهم ادامه دارد.
منزل سوم	از سوره یونس	تا	سوره بنی اسرائیل	جزء پانزدهم ادامه دارد.
منزل چهارم	از سوره بنی اسرائیل	تا	سوره الشعرا	جزء نوزدهم ادامه دارد.
منزل پنجم	از سوره الشعرا	تا	سوره والصفه	جزء بیست سوم ادامه دارد.
منزل ششم	از سوره والصفه	تا	سوره ق	جزء بیست ششم ادامه دارد.
منزل هفتم	از سوره ق	تا	سوره الناس	جزء سی ادامه دارد.

رونما نگردهد.

۱۲. عده از مردم بیخبر و قتیکه هنگام تلاوت قرآن مجید به آیت سجده میرسند، بر قرآن سجده می نمایند در حالیکه بدین ترتیب سجده ادا نمی گردد سجده تلاوت باید به همان ترتیبی ادا شود که در صفحه (۸) شرح گردید.

## تعداد آیات شماره کلمات و حروف قرآن کریم.

قرآن کریم شامل ۳۰ جزء ۱۱۴ سوره ۵۵۹ رکوع و ۶۶۶۶ آیات می باشد هکذا قرآن کریم ۷۷۴۳۷ کلمه و ۳۴۰۷۴۰ حرف دارد ، در قرآن کریم ۷۰۰ بار در باره عبادت و ۱۵۰ بار در باره خیرات ذکر صورت گرفته است. اسم الله جل جلاله ۲۷۹۷ بار در قرآن کریم ذکر شده است.

## کوتاترین و طولانی ترین آیه قرآن کریم.

اگر حروف مقطعات را در ضمن آتات منظور کنیم کوتاترین آیت (طه) خواهد بود زیرا از دو حرف ترکیب شده است ولی اگر غیر از حروف مقطعات در نظر گرفته شود ( وَالضُّحَىٰ ) ( وَالْفَجْرِ ) و امثال آنها کوتاترین آیات محسوب میشوند. طولانی ترین آیت قرآن کریم آیه ۲۸۲ سوره البقره است که شامل ۲۰ حکم فقهی است.

## اولین و آخرین آیت نازل شده.

بنابر قول مشهور اولین آیت نازل شده قرآن کریم آغاز سوره علق شریف ( اِقْرَأْ بِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ )\* است ؛ اما در مورد آخرین آیت اختلاف است، تعداد از علما کرام آیت ۳ سوره المائده شریف را آخرین آیت نازل شده میپندارند.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَفَقَةُ وَالْمَوْفُودَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَمَا أَكَلَ السِّنْعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا ذُيْحَ عَلَى النَّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ\* ذَالِكُمْ فِسْقٌ\* أَلْيَوْمَ يَنْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ\* أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا\* فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ\*

# اجزای قرآن کریم

شماره	اسم جزء	تعداد آیات
۱	الم	۱۴۱ آیه
۲	سَيَقُولُ	۱۱۱ آیه
۳	تِلْكَ الرُّسُلُ	۱۲۵ آیه
۴	لَنْ تَنَالُوا	۱۳۲ آیه
۵	وَالْمُحْصَنَاتُ	۱۲۴ آیه
۶	لَا يُحِبُّ اللَّهُ	۱۱۱ آیه
۷	وَأَذِّبُوا	۱۴۸ آیه
۸	وَلَوْ أَنَّنَا	۱۴۲ آیه
۹	قَالَ الْمَلَأُ	۱۵۹ آیه
۱۰	وَأَعْلَمُوا	۱۲۸ آیه
۱۱	يَعْتَذِرُونَ	۱۵۰ آیه
۱۲	وَمَا مِنْ دَابَّةٍ	۱۷۰ آیه
۱۳	وَمَا أُبْرِيءُ	۱۵۵ آیه
۱۴	رُبَّمَا	۲۲۶ آیه
۱۵	سُبْحَانَ الَّذِي	۱۸۵ آیه
۱۶	قَالَ أَلَمْ	۲۶۹ آیه
۱۷	اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ	۱۹۰ آیه
۱۸	قَدْ أَفْلَحَ	۲۰۲ آیه
۱۹	وَقَالَ الَّذِي	۳۴۳ آیه
۲۰	أَمَّنْ خَلَقَ	۱۶۶ آیه
۲۱	أَنْتَ مَا أَوْجَى	۱۷۹ آیه

شماره	اسم جزء	تعداد آیات
۲۲	وَمَنْ يَفْقَهُتْ	۱۶۲ آیه
۲۳	وَمَالِي	۳۶۳ آیه
۲۴	فَمَنْ أَظْلَمُ	۱۷۵ آیه
۲۵	إِلَيْهِ يُرْدُ	۲۴۶ آیه
۲۶	حَمِّ	۱۶۵ آیه
۲۷	قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ	۳۹۹ آیه
۲۸	قَدْ سَمِعَ اللَّهُ	۱۲۷ آیه
۲۹	تُبْرِكَ الَّذِي	۴۳۱ آیه
۳۰	عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ	۵۶۹ آیه

## نامهای قرآن کریم

قرآن کریم نامهای زیادی دارد که از نظر زبان دری بعضی اسم و بعضی صفت اند، شماره نامهای قرآن کریم (۵۵) ویا بیشتر میباشد که به طور مثال چند اسم مبارک را یاد

۱. قرآن: به معنی خوانده شده و یا مجموعه آیات و سوره.
۲. فرقان: به معنی جدا کننده حق از باطل یا به معنی بتدریج نازل شده.
۳. کتاب: به معنی مجموعه آیات و سوره.
۴. ذکر: به معنی یاد آوری.
۵. تنزیل: به معنی بتدریج نازل شده.
۶. موعظه: به معنی پند و اندرز.
۷. شفا: به معنی بهبود بخش امراض باطنی.
۸. هدای: به معنی راه نماینده.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 أَقْرَأُ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) أَقْرَأُ رَبِّكَ  
 الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

خداوند متعال میفرماید: بخوان بنام پروردگارت که بیافرید.



غار حرا که اولین آیات قرآن کریم برای حضرت محمد (ص) نازل گردید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سوره مبارکه المانده آخرین آیت نازل شده قرآن کریم. آیت (۳)



از قرآن تکیه و بالین جور نکنید و تلاوت او را روز و شب به طریقی بکنید طوری که حق اوست و اشاعت آنرا بکنید و به خوش آوازی بخوانید و در معانی و مضامین آن غور کنید تا که کامیاب شوید، ثواب و عوض آنرا در دنیا طلب نکنید چرا که در آخرت برای او اجر و ثواب بزرگ است.

پیش از اینکه در مورد ترتیل و احکام تجوید بحث نمایم لازم می بینم تا بحث و تفسیری کوتاه از تعوذ و بسمله که آغازگر تلاوت قرآن کریم است داشته باشم، تا باشد خوانندگان گرامی از خواص و فضایل آن واقف و با زیبایی آنرا قرائت نمایند.

## تعوذ و بسمله

تعوذ یعنی: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)  
بسمله یعنی: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

### تعوذ:

تعوذ که استعازه نیز گفته میشود و به این معنی که (پناه میبرم به الله (ج) از شیطانیکه رانده شده است) برای پاکي دهن و شستشوی دهن از چرکینی های سخنان لغو و رفت و بیهوده و برای تلاوت قرآن کریم است.

پناه جستن به خداوند (ج) اعتراف است به قدرت بی همتا او جل جلاله و بر این معنی که بنده عاجز دفع و منع و سوسه های شیطان را نمی تواند لهذا از پروردگار مهربان کمک میخواهد. چنانچه خداوند (ج) میفرماید:

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ\*

ترجمه: و چون قرآن بخوانی از شیطان رجیم به خداوند پناه ببر.

این يك دستور بزرگ برای تلاوت قرآن کریم است، زیرا شیطان این دشمن انسان همواره در پی اغوا و ضرر رسانی آدمی میباشد به خصوص که بنده بخدا جویی و عبادت مصروف باشد. وقتی انسان خودشرا عاجز در مقابل وسوسه های شیطان احساس میکند و از خداوند (ج) کمک و معاونت میخواهد، بدون شك که خداوند (ج) بنده خود را از سلطه این دشمن و وسوسه کننده بر کنار میدارد. چنانچه خداوند (ج) میفرماید: (إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)

ترجمه: شیطان را بر کسانی که ایمان آورده اند و به خدا توکل میکنند تسلطی نیست. پس پناه بردن به خداوند (ج) در حقیقت دوری جستن از اعمال شیطانی میباشد، چنانچه جمهور علما بر آنند که خواند تعوذ حین قرائت قرآن کریم مستحب است نه واجب مگر گفتن آن لازمی است.

در نماز بعد نیت، تکبیر تحریمه و ثنا خواندن تعوذ در صورتکه امام باشد و یا تنها

عذاب و وعید از خداوند (ج) پناه بگیرد. در وقت آیات تنزیه سبحان الله بگوید و در غیر آیات تنزیه استغفر الله بگوید. در جریان خواندن با کسی صحبت نکرده اگر ضرورت پیدا شد کلام خداوند (ج) را بند کند و بعد از سخن زدن دو باره اعوذ بالله گفته شروع نماید. پیغمبر (ص) وقتی آیات عذاب را تلاوت میکردند، از حق تعالی طلب رحمت می نمود و هنگامیکه آیات تنزیه را میخواند، تسبیح میگفت.

آداب تلاوت قرآن کریم به دو نوع است. آداب ظاهری و آداب باطنی که هر دو مشتمل بر شش، شش جز است که قرار ذیل است.

## آداب ظاهری تلاوت قرآن کریم

۱. باعنایت احترام و با وضو به طرف قبله نشستن.
  ۲. خواندن قرآن کریم با تجوید و ترتیل البته عاری از تیزی و تعجیل.
  ۳. کوشش گریه کردن اگر چه مشکل هم باشد.
  ۴. حق آیات رحمت و آیات عذاب را ادا کردن.
  ۵. اگر خوف ریا و شهرت باشد یا اذیت کدام مسلمان صورت گیرد آهسته خواندن.
  ۶. به خوش آوازی خواندن که در احادیث تأکید این موضوع زیاد صورت گرفته است.
- نوت:** هنگام تلاوت قرآن کریم متاثر شدن از مضامین انذار و وعید و اظهار تأثیر آن مستحب میباشد. اما در این مسئله باید نهایت هوشیار بود زیرا ریا بهترین عمل انسان را برباد میکند.

## آداب باطنی تلاوت قرآن کریم

۱. عظمت کلام مجید را در دل حاضر کند.
  ۲. رفعت کبریائی حق تعالی را در دل خود مستحضر نماید.
  ۳. دل را از وسوسه ها و خطرات نا شایسته پاک نماید.
  ۴. بالذت بخواند و تدبیر در معانی آن نماید.
  ۵. آیات را که تلاوت میکند دل خود را تابع و مطیع آن بسازد.
  ۶. گوش های خود را آن طور متوجه قرآن نماید که گویا خود خداوند (ج) کلام میفرماید.
- \*\*از حضرت عبیده ملیکی (رض) روایت شده است که حضرت محمد (ص) فرموده اند.  
ای اهل قرآن!

سوره توبه که غضب خداوند (ج) بالای کفار نازل شده و در آن امان نیست و در دیگر سوره ها امن وجود دارد و باید در آغاز و وسط آن خوانده نشود و وجود دارد که به ذات و صفات پروردگار دلالت میکند.

بسمله نزده حرف دارد، بروایتی که دوزخ نزده زبانه دارد و هر کی بسمله را قرائت نمائید سبب نجات او هر حرف در مقابل هر زبانه میشود زبانه که فرشته های مقرر در دوزخ میباشد در آنجا کار گذارند، چنانچه خداوند (ج) میفرماید:

**(عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ\*)**

ترجمه: (در دوزخ نزده فرشته کار گذارند)

روایت است که آنحضرت (ص) تا آنوقت بسمله را ننوشت تا آن فرصت که سوره نمل نازل گردید. بسمله تاج سر سوره های قرآنکریم است، که در نماز بعد از تعوذ خفیه خواندن آن سنت است و آن مبارک آیتی است، که برای فاصله بین سوره ها نازل شده است. البته در بین سوره فاتحه در نماز خوانده نمیشود در اول هر رکعت نماز خواندن آن سنت است.

**بِسْمِ اللَّهِ:** در همه مراحل زندگی آدمی فیض رسانی دارد و تا آخر عمر از آن مستفید میشویم حتی وقت گذاشتن مرده مسلمان در آغوش خاک گفتن آن مشروع است، کلمه الله که در بسمله آمده است علم پروردگار است. گفته اند که این اسم معظمه اسم اعظم است زیرا که موصوف همه صفات خالق لا یزال است و اسم است که دیگری بدان مسمی نمی گردد.

**الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ:** که در بسمله آمده اند هر دو اسم و مشتق از رحمت است. از عبد الرحمن بن عوف روایت است، که رسول الله (ص) فرموده اند، خداوند (ج) فرمودند، من رحمن هستم آفریده ام رحم را و بر آن نامی از نام خود گزیدم کسیکه به او نزدیک شود به او نزدیک مشوم و کسیکه از آن قطع رابطه کند از او دوری میکنم. رحمن یعنی مهربان به جمیع خلق و رحیم مهربان به مومنان رحمن صفتی است مختص به خداوند (ج) و مانند الله بر دیگری نام گذاشت نمیشود ابن العربی میگوید که رحمن اسم اعظم است، اما رحیم به غیر خداوند (ج) نیز صفت میشود چنانچه حضرت پروردگار پیامبرش را چنین صفت میکند.

**(حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ يَا مُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ\*)**

ترجمه: سخت به شما دلبسته است و به مومنان روف و مهربان است.

به گفته حضرت علی (رض) بسمله شفا هر مرض و دوا هر درد است و بسمله از دو صفت بزرگ او تعالی و اسم خداوند (ج) الله ترکیب یافته است. عثمان بن عفان (رض) در مورد فضیلت و ارزش بسمله از حضرت محمد (ص) پرسیدند آن جناب فرمودند: در بسمله نامی است که بین آن و اسم اعظم باری تعالی چنان قرب و نزدیکی میباشد مانند قرب و نزدیکی سیا هی و سفیدی چشم یعنی با اسم اعظم اتصال و پیوستگی دارد.

چون **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** نازل شد ابر ها از هیبت آن به طرف مشرق فرار کردند،

گذار به طور خفیه ادا باید شود. در مورد ارزش تعوذ از عثمان بن ابی العاص روایت شده که شخصی نزد آنحضرت صل الله علیه وسلم آمد و گفت:

**ای رسول الله!**

شیطان بین من و نماز و قرائت من حایل میشود و قرائت و نماز را مشبوع میسازد. آنحضرت (ص) برایش فرمودند که این شیطان که نام او خنزب (بد بوی) است هر وقت که وسوسه او را احساس کردی اعوذ بالله بگو و به طرف چپ خود سه بار تف کن مگر خارج نماز و قرائت حضرت عثمان بن ابی العاص میگفت و بعد آن من چنین کردم و وسوسه شیطان هرگز میان من و نماز و قرائت من حایل نشد. **رَجِيمٌ.** به معنی سنگسار شده و مطرود و دور از خیر است و آن اینکه تعوذ گفتن از سنن نماز و آغاز گر تلاوت قرآنکریم و دور کننده وسوسه های شیطان است و تلاوت آن مؤثر و پرفیض است.

یکی از ضروریات مبرم ایجاد میکند که قاری قبل از قرائت قرآنکریم باید در شروع قرائت تعوذ **(أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)** را اگر دیگر مستمع باشد به جهر و در صورتیکه تنها باشد جواز دارد که خفیه بخواند اما به هر صورت قبل از قرائت قرآنکریم نظریه آیت ذیل که خداوند (ج) میفرماید:

**فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ\***

مستحب است که قاری به خداوند (ج) از شر شیطان رجیم پناه بخواند. در قرائت استعاذه بین علما اختلاف است، امام حمزه (رح) میخوانند.

**إِسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ\***

و یا:

**نَسْتَعِذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ\***

ابن کسیر (رح) میگوید که **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ\*** خوانده شود. اهل حرمین شریفین عراق و شام **أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ\*** میخوانند و امام نافع (رح) روایت میکند که باید:

**أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ رَحِيمٌ\***

و یا:

**أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ\***

و اما به اتفاق علما و قرا خواندن **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** بیشتر مروج است.

**بسمله:**



بسمله یعنی ( **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** ) گفتن به این معنی که (بنام خداوند بخشنده مهربان). بسمله که تسمیه نیز گفته میشود در آغاز هر عمل نیکو از سنن و آداب اسلام است بسمله که جزء از سوره نمل شریف است در اول هر سوره قرآنکریم به جز

باد ها به آرامی گرائیدند ، آب بحر ها به هیجان آمدند حیوانات به هر طرف گوش فرا میدادند، شیطان از آسمان مرجوم شد و حضرت پروردگار به عزت و جلال خود قسم یاد کرد که گرفته نشود نامش بالای چیزی مگر آنکه انرا متبرک میسازد.

## وصل و فصل تعوذ و بسمله .

وقتی از ابتدا سوره شروع میکنیم خواندن تعوذ و بسمله هر دو ضروری است چونکه تعوذ ابتدا قرائت و بسمله ابتدا سوره است، که از نظر وصل و فصل چهار حکم دارد .

۱. خواندن تعوذ همراهی بسمله و بسمله همراهی آیت وصل کل نامیده میشود.
۲. وقتی در (رحیم) وقف کنیم و (رحیم) را با ما بعد وصل کنیم در این صورت فصل اول وصل ثانی نامیده میشود.
۳. وقتی که تعوذ را همراهی بسمله وصل و در ( رحیم) وقف کنیم وصل اول فصل ثانی نامیده میشود.
۴. وقتی در (رحیم) و (رحیم) در هر دو وقف نمودیم فصل کل نامیده میشود از نظر احکام قرائت هر چهار جایز است ولی فصل اول و وصل ثانی افضل تر است.

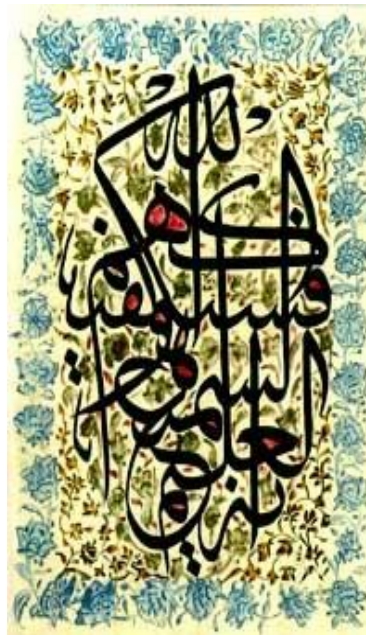
## ابتدا سوره در میان قرائت.

اگر در هنگام قرائت يك سوره ،سوره دیگری آغاز گردید پس احکام آن قرار ذیل است.

۱. **وصل کل.** ( وصل نمودن حرف اخیر سوره با بسمله و حرف اخیر بسمکه با سوره .
۲. **فصل کل.** (در کلمه اخیر سوره وقف کرده ، بسمله را آغاز نموده در اخیرش وقف نموده و بعداً سوره جدید را آغاز نمودن است)
۳. **فصل اول وصل ثانی.** (وقف نمودن در کلمه اخیر سوره آغاز بسمله و وصل بسمله با سوره جدید را گویند)
۴. **وصل اول و فصل ثانی.** ( وصل نمودن کلمه اخیر سوره با بسمله ، وقف نمودن در اخیر بسمله و آغاز سوره جدید را گویند) که سه آن جایز و چهارم نا جایز است.

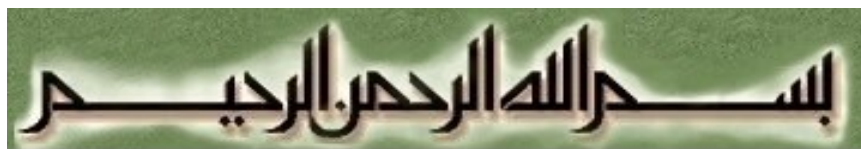
## ابتدا قرائت در میان سوره.

اگر قرائت در بین سوره شروع شود پس خواندن تعوذ ضروری است، چونکه تعوذ ابتدا قرائت است در این صورت خواندن بسمله اختیاری است و اگر بسمله خوانده شود و تعوذ همراهی آیت یکجا خوانده شود و یا در(رحیم) وقف شود هر دو جایز است پس با



آیت جایز نیست باید بسمله خوانده شود که احکام آن قرار ذیل است.

۱. **فصل کل.** (وقف نمودن در اخیر تعوذ و بسمله و بعداً آغاز نمودن آیت است)
  ۲. **وصل کل.** ( وصل نمودن اخیر تعوذ با حرف اول آیت و ادامه دادن به قرائت )
  ۳. **وصل اول فصل ثانی.** (وصل نمودن اخیر تعوذ با حرف اول بسمله و وقف نمودن در اخیر بسمله و دو باره ادامه دادن به قرائت )
  ۴. **فصل اول و وصل ثانی.** (وقف نمودن در اخیر تعوذ ، وصل نمودن اخیر بسمله با آیت و به قرائت ادامه دادن را گویند)
- که شماره اول و دوم جایز و سوم و چهارم ناجایز است، البته باید متذکر شد که آموختن فن قرائت قرآنکریم یکی از فنون ضروری بوده و واجبی میباشد، که هر شخص قبل از قرائت باید به آن آشنائی داشته باشد.



## بخش دوم. تعریف علم تجوید.

تجوید در لغت تحسین و نیکو گردانیدن است ، و در اصطلاح علمییست که از مخارج حروف هجا و صفات آن بحث میکند.

### موضوع علم تجوید.

صحیح و درست ادا کردن آیات قرآنکریم از لحاظ حروف هجا و قواعدیکه قرآنکریم با آن درست تلاوت میشود.

### حکم علم تجوید.

آموختن علم تجوید فرض کفائی و خواند قرآن با تجوید فرض عین است.

## فضیلت علم تجوید.

چون علم تجوید به اشرف کتب که کتاب الله (ج) است تعلق دارد لهذا علم تجوید از اشرف علوم محسوب میشود.

## فایده علم تجوید.

آن سبب رضای و خشنودی خداوند(ج) چون آموختن قرآنکریم با تجوید و قرائت میشود لهذا با این عمل سعادت دارین نصیب مسلمانان میشود.

## غرض علم تجوید.

غرض علم تجوید نگهداشتن زبان از لحن (خطا) است در کلام خداوند(ج) و همچنان نگهداشتن زبان قاری از زیادت نقصانیکه به طور سهوه و یا خطا باشد که هر کدام ذیلاً شرح میگردد.

اولاً لحن: لحن و یا خطا به طور عموم دو قسم است.

۱. لحن جلی.

۲. لحن خفی.

الف: لحن جلی: عبارت از آن خطائی است که به الفاظ خلل میرساند که به اثر آن

تغییر در معنی و عبارت صورت میگیرد مانند تغیر حرکات، حرف با حرف.

به طور مثال: (تعریف) که (تحریف) خوانده شود و یا (حَلیم) که (عَلیم) خوانده شود.

ب: لحن خفی: لحن خفی آن خطائی است که در الفاظ تغیر نمیرساند تنها خلل بر اعراب و بر رونق و حسن الفاظ وارد میکند.

مانند تکرار (را) پر خواندن (لام) و اظهار خواندن اخفا بر عکس آن مشدد خواندن حروف (لین) گر چه از معایب قرائت بشمار میرود باید اجتناب گردد. از این سبب لحن جلی حرام است قاری گنهارک میشود، ولی لحن خفی مکروه است که زیبایی قرائت را از بین میبرد.

۲. بعضی اوقات قاری قرآنکریم در جریان قرائت سهواً اشتباه میکند، این گونه اشتباهات اضافه تر در تلفظ حروف صورت میگیرد، که در این موقع سامع قاری که متوجه قرائت است به آواز بلند اشتباه قاری را میخواند بدین ترتیب قاری متوجه شده و اشتباه اش را درست میکند که در این صورت نه گناه به قاری و نه گناه به سامع میشود.

## اقسام قرائت.

(ج) است به صحیح ترین لغات قرآنکریم که کلام بر حق خداوند عربی نازل شده است به قراء لازم است تا مطابق به قواعد عربی و مراعات فن قرائت که توسط علما

ترتیب گردیده است قرائت نمایند. امام القرا شیخ شمس الدین(جرزی) (رح) نوشته است که قرائت قرآن مجید به سه نوع است.

۱. قرائت متواتره.

۲. قرائت صحیحیه.

۳. قرائت شازه.

قرائت متواتره: قرائت که با عربیت مطلقاً موافق باشد و با یکی از مصاحف عثمانی (رض) موافق باشد قرائت متواتره نامیده میشود.

قرائت صحیحیه: قرائت که موافق عربیت بوده و صحیح مطابق رسم الخط مصحف خوانده شود یعنی تمام قراء و علما آنرا قبول نموده باشند قرائت صحیحیه نامیده میشود.

قرائت شازه: این قرائت نه مطابق عربی است و نه مشابه رسم الخط مصحف و در بین علما جواز ندارد.

## احکام قرائت.

برای قرائت صحیح قرآن مجید احکام خاصی موجود است تا قاری بتواند از احکام و قواعد آن استفاده کرده و قرآنرا به صورت صحیح و الفاظ آنرا موزون قرائت نماید که این احکام قرار ذیل است.

۱. ترتیل: ترتیل که به معنی نیکو خواندن است، باید قاری طوری قرائت نماید که صفات و مخارج حروفرا به صورت اساسی مراعات کند و اوقاف را نظر به رموز و موقعیت آن حفظ کند حتی که سامع بتواند حروفرا بشمارد، این نوع قرائت در ادای نماز ضروری بشمار میرود.

۲. تدویر: تدویر که به اصطلاح قراء به گردان و از نقطه نظر علم قرائت ادا تمام احکام قرائت باوجود سرعت در قرائت است. این نوع فن قرائت را اکثراً قراء درحین تکرار در ختم قرآنکریم و یا در نماز های تراویح به صورت نسبتاً سریع انجام میدهند که در این گونه مواقع قاری متوجه باشد که از احکام قرائت خارج نشود.

۳. تجلیس: تجلیس که به معنی تزئین قرائت بوجه احسن و به اصطلاح علم زیبا ساختن کلام با مراعات احکام قرائت است. این نوع فن قرائت اکثراً در مجالس فاتحه خوانی توسط قراء مورد استفاده قرار میگیرد، ولی قاری باید متوجه باشد که با استفاده از این تکنیک تمام قواعد قرائت را تطبیق و قرائتی با لهجه و اصوات موزون نماید تا سبب زیبایی کلام و فصاحت گردد. در این حالت به تمام معنی اصول و قواعد فن قرائت به صورت کل مراعات گردد.

تحصیل این نوع قرائت را باید از نزد استادان کرد. جهت قرائت نمودن در مجلس فوق الذکر قاری باید با تمام قواعد و فنون قرائت آشنائی کامل داشته باشد، زیرا به اثر خطا جزئی و تمکین در حروف امکان تغیر معنی دارد که سبب گناه و حتی

۴- توقیر: به تعظیم، حرمت، آداب و طهارت خواندن است.

۵- تزئین: زینت دادن لهجه توسط مراعات تجوید و قواعد قرائت با آواز رسا و خوش.

۶- تبیین: آشکار بیان کردن حروف تا يك حرف با حرف دیگر مختلط نگردد.

۷- تقویم: به ترتیب مصحف بالای حرکات و سکنات بالترتیب راست و درست خواندن.

۸- تمکین: به قسمیکه استاد اش برایش تدریس نموده حرکات را ادا نمودن و پیرو طریقه استادش باشد.

۹- تخلیص: از لحن جلی و خفی و زیاده از آن قرائت خالص نمودن

۱۰- ریا و سمعه: از ریا و خود نمائی در وقت قرائت قرآنکریم خوداری کند چونکه در هر مرحله حیات خصوصاً در حین قرائت قرآنکریم نارواست.

## معایب و نواقص قرائت قرآنکریم

قاری که میخواهد به قرائت شروع کند بعضی معایب قرائت را مرفوع کند و از انجام آن دوری نماید. معایب قرائت زیاد است، محمد مقری (رح) بعضی از آنها را شرح نموده اند که قراذ ذلیل است.

۱- تخطیط: در هم کشیدن یا کج نمودن دهن در حالت قرائت که بعضی ها به خاطر که تظاهر نمایند دهان خود را در وقت قرائت کج و بد شکل نموده، که این عمل شان قبیح بوده معایب قرائت را بار میآورد.

۲- تمضیع: یعنی حروف را در دهان خود جویده خواندن که مخارج حروف درست ادا نمیشود.

۳- ترعید: لرزاندن آواز در حالت وقف کردن و یا در حالت مد کشیدن زیرا حروف اضافی را بار می آورد و قاری فکر میکند که در این عمل برای سامع سوز و گداز تولید خواهد کرد حالانکه عیب در قرائت بار می آورد.

۴- تحریف: یعنی در بین کلمه قیل از اینکه تمام شود نفس کشیدن.

۵- ترجیح: یعنی کشته، کشته خواندن و یا تولید تکرار حرف.

۶- نفخه: بی محل نفس کشیدن و قرائت را ادامه دادن.

۷- نفشه: حین قرائت هوأ را از دهان خود پف نمودن خصوصاً در بین کلمه.

۸- وکزه: بشدت خواندن و سخت ادا نمودن حروف را گویند.

۹- رکزه: به معنی بهم پوشید خواندن حرف را گویند که از یکدیگر تمیز نشوند.

۱۰- هممه: گردانیدن آواز به طرف سینه و با مبالغه نمودن در حرکات یعنی حرکت فتحه به (الف) حرکت کسره به (یا) و حرکت ضمه به (واو) مبدل گردد.

۱۱- عنعنه: یعنی غیر مشدد را مشدد و بر عکس مشدد را غیر مشدد خواندن.

۱۲- زمزمه: یعنی رعایت نمودن لحن زیاد از علم تجوید که مخالف قواعد تجوید است.

تکفیر میگردد. اگر سامع عالم و در فن قرائت مطلع باشد در صورتیکه رفع غفلت نکند او هم مستوجب گناه میگردد و اگر سامع اشخاص عوام و فاقد معلومات فن قرائت باشد گناه قاری بالایش مؤثر واقع نمیکردد بناً قاری بکوشد که نه خود و نه سامع رابه گناه مواجه کند. قرآنکریم را باید با ذوق و شوق و لحن نیکو همراه با دلبستگی و رعایت تجوید و علیحده، علیحده خواند چونکه این نوع خواندن نه تنها موافق موازین قرائت است بلکه این نوع خواندن بر قلب خواننده اثر عمیق هدایت و به شنونده سرور ورحی و احساس عمیق عنایت میفرماید. خواند قرآن با دل نا خواسته، پر از وسوسه های شیطانی و در نظر نگرفتن صحت حروف مکروه است. حروف را به صورت درست ادا کردن جاهای وقف و پیوستن را دانستن و هر آیت را صاف و علیحده خواندن ضرور میباشد.

چنانچه آنحضرت(ص) با نهایت آرامش يك، يك حرف را واضح و هر آیت را علیحده، علیحده تلاوت میکرد. چنانچه میفرماید.

**\*قرآن را با لهجه و حسن آواز خویش بیارایید.\***

**نوت:** باید متوجه بود که خود سازی و تصنع نباید نمود بلکه باید به سادگی و شکل طبیعی خواند تا قلب بطرف خداوند (ج) متوجه گشته و احساس نمایش بوجود نیاید. همچنان آنحضرت(ص) فرموده است.

**\* کسی که قرآن را با لحن خوش تلاوت نکند از جمله ما نیست.\***

همچنان در مورد اجرو پاداش تلاوت قرآنکریم با لحن نیکو میفرماید:

**\*در روز قیامت به خواننده قرآن گفته میشود که به چنان آهستگی و لحن نیکو و آراستگی که در دنیا قرآن میخواندی بهمان ترتیب قرآن بخوان و در بدل هر آیت يك درجه بلند برو، مقام تو نزدیک آخرین آیتی است که تلاوت کنی.\***

**نوت:** خواند قرآنکریم مانند سرود زیر و بم پیدا کردن و شکل راگ را گرفتن مکروه تحریمی میباشد که اجتناب از آن ضرور است.

## محاسن قرائت قرآنکریم

محاسن قرائت که عبارت از زیبایی قرائت قرآنکریم است انواع زیاد دارد که از آنجمله ده نوع آنرا شرح میکنیم.

۱- ترتیل: یعنی آهسته و هموار خواندن که سامع بتواند حتی حروف آنرا شمارکند، حضرت علی(رض) معنی ترتیل را حفظ الوقوف و ادا الحروف تفسیر نموده اند، یعنی نگهداشتن وقف ها و ادا نمودن حرف از مخرج آن.

۲- تجوید: یعنی بجا آوردن تمام قواعد قرآن که علما به آن اعتبار نموده اند.

۳- ترسیل: یعنی آهسته خواندن زیرا از اثر سرعت و تیز خواندن مخارج حروف و قواعد قرائت مراعات نمیگردد.

## تقسیمات حروف هجا

قرآنکریم به لسان عربی بوده که از نظر برخی علما کرام ۲۹ حرف طوریکه از نظر این گروه علما حرف (الف) و حرف (ء) دو حرف جداگانه اند در حالیکه گروه دیگر علما کرام اینست که قرآنکریم ۲۸ حرف دارد چونکه آنها به این عقیده اند که حرف (الف) و (ء) گرچی از نقطه نظر تفاوت دارند ولی از نقطه نظر صدا وقتی با حرکات چون فتحه (زیر)، کسره (زیر) و ضمه (پیش) تلفظ شوند در آنها هیچ تغییری موجود نیست فلذا این گروه علما حروف مذکور را يك حرف می‌شمارند و مجمعه حروف عربی را ۲۸ تحریر و حساب میکنند، که نظر هر دو گروه علما کرام قابل احترام و قبول است ولی بنا بر قول مهشور قول دوم علما قویتر است، بدین لحاظ قرآنکریم ۲۸ حرف دارد که قرار ذیل میباشد.

الف - با - تا - ثا - جیم - حا - خا - دال - ذال - را - زا - سین - شین - صاد - ضاد - طا - ظا - عین - غین - فا - قاف - کاف - لام - میم - نون - واو - ها - همزه - یا.

## مخارج حلق

حلق دارای شش حرف بوده و از سه مخرج میباشد.

- ۱- غ-خا: از ابتدای حلق ادا میشود.
  - ۲- ع-حا: از وسط حلق ادا میشود.
  - ۳- ء-ها: از آخر حلق ادا میشود.
- لطفاً به این نکته مهم توجه نمایند!

از نظر بعضی علما کرام مخرج (ء-ها) از قسمت ابتدای حلق ادا میشود نه از قسمت آخر حلق و این موضوع صرف به این خاطر است که آن‌دهه علما کرام که مخرج (ء-ها) را از ابتدا حلق می‌شمارند معکوس نظر اول که در آغاز مخرج حلق تشریح شد حلق را شرح میدهند که قابل دقت است.



۱۳. وثبه : یعنی بر جستن و خیز زدن از يك حرف به حرف دیگر.
۱۴. مجمجه : تکریر (را) یعنی در ادا کردن حرف (را) لرزانیدن زبان به اندازه که دو را مکرر ادا شود.
۱۵. حلقیه : قرائت نمودن به شکل مریضی که گلو دردی داشته باشد.
۱۶. خرخره : در جای (غ) حرف (خ) و بر عکس به جای (خ) حرف (غ) را ادا نمودند.
۱۷. قلقله : یعنی از اندازه زیاد جنبانیدن حروف چنانچه حروف ساکن متحرك گردد.
۱۸. تطویل : دراز نمودن حروف مد از اندازه معین آن.
۱۹. ثلثه : پر خواندن حرکات حروف که همراهی دیگر حروف مخلوط گردد. مانند (را) که (روا) و (صاد) که (صواد) تلفظ گردد.
۲۰. سرقت : ربودن و نابود نمودن حرکت حروف.
۲۱. غفلت : ادا ننمودن قواعد تجوید یعنی در جای وقف وصل نمودن و بر عکس در محل وصل وقف نمودن، ادغام، اظهار، اقلاب و اخفا را مراعات نکردن این حرکات سبب تولید معایب در قرائت قرآنکریم که فصیح ترین کلام ربانی است میگردد. بناً باید متذکر شد که برای ادا نمودن حروف عربی و خواندن قرآنکریم بدون کدام نقص و اشتباه معرفت مخارج حروف و صفات حروف و آشنایی با قواعد علم تجوید ضروری است، البته مخارج حروف کمیت و صفات حروف کیفیت حروف را بیان میکند که هر کدام را ذیلاً جهت معلومات شما مسلمانان عزیز شرح میدهم.



# مخارج دهن.

چون اساس قرائت را مخارج حروف تشکیل میدهد و اکثر حروف ارتباط مستقیم به دندانها دارد، پس برای معلومات مزید تقسیمات دندانها را نخست از نقطه نظر علم تجوید باید شناخت و معرفت کامل در مورد آنها حاصل کرد.

## تقسیمات دندانها.

تعداد دندانهای انسان های بالغ اکثراً ۳۲ میباشد که ۱۶ در فك علیا و ۱۶ در فك سفلی قرار دارد ، دندانهای انسان از نقطه نظر مخارج حروف به چهار نوع تقسیم شده است که قرار ذیل است.

۱- ثنایا.

۲- رباعیات.

۳- انیاب.

۴- اضراس.

**الف. ثنایا :** چهار دندان رویی فك علیا و سفلی را ثنایا گویند.

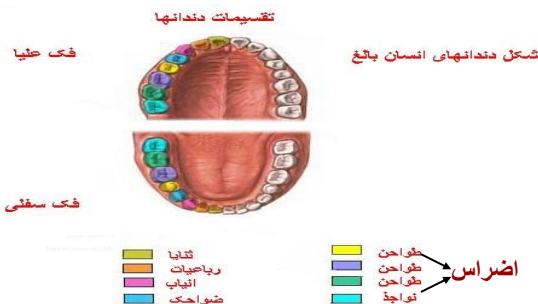
**ب. رباعیات :** دندانهای رباعیات چهار میباشد که به طرف راست و چپ دندانهای ثنایا در فك علیا و سفلی يك ، يك واقع است.

**د. انیاب :** تعداد دندانهای انیاب نیز چهار میباشد که در پهلوی دندانهای رباعیات در فك علیا و سفلی قرار دارد.

**ج. اضراس :** تعداد دندانهای اضراس بیست (۲۰) میباشد که سه نوع میباشد.  
 ۱- ضواحك : تعداد دندانهای ضواحك چهار عدد بوده که در پهلوی دندانهای انیاب در فك علیا و سفلی يك ، يك واقع شده اند.

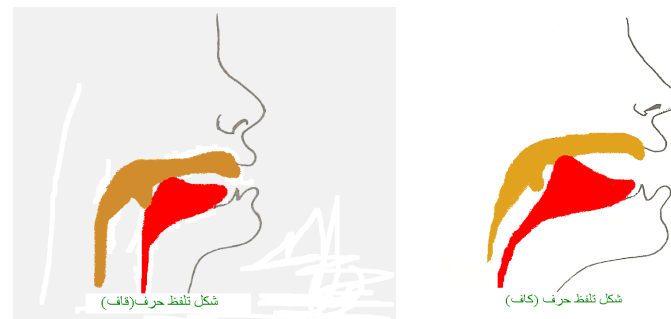
۲- طواحن : تعداد دندانهای طواحن دوازده (۱۲) عدد بوده که بعد از دندانهای ضواحك در فك علیا و سفلی شش ، شش قرار دارد.

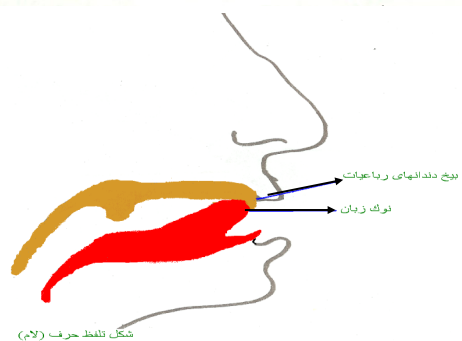
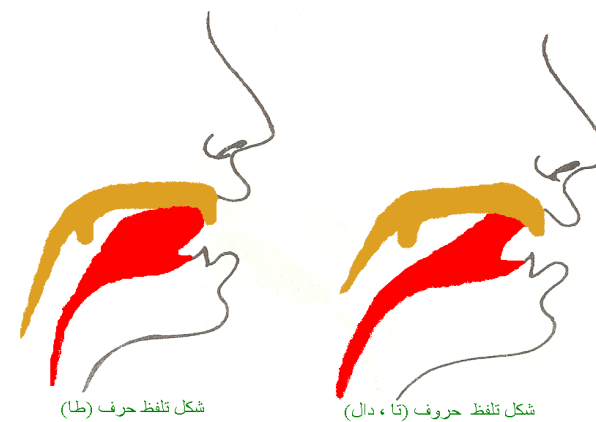
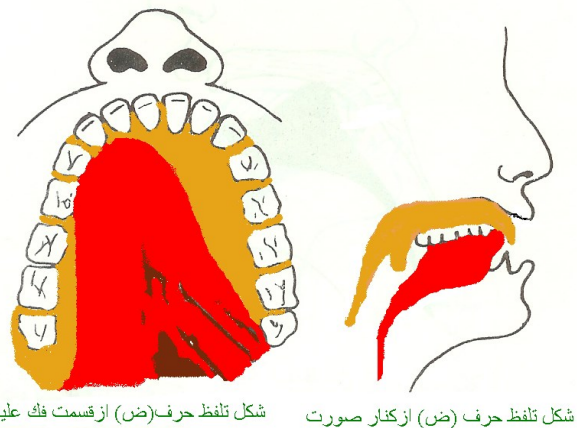
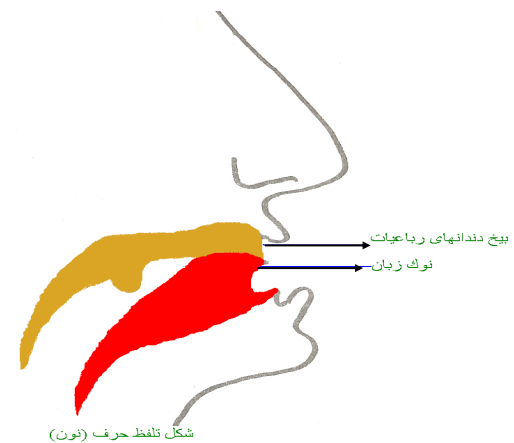
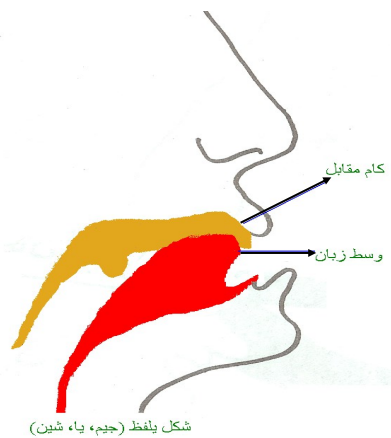
۳- نواجذ : تعداد دندانهای نواجذ چهار میباشد که در چهلوی دندانهای طواحن در فك علیا و سفلی قرار دارند اما اکثر مردم آنرا ندارند که این دندانها بنام دندانهای عقلی نیز یاد میشوند ، چونکه خروج و پیدا شدن این چهار دندان در وقت بلوغ از سن ۱۸ الی ۲۵ صورت میگیرد.



- دهن دارای ده مخرج و هژده حرف از آن ادا میشود.
- ۱- (ق) : هرگاه بیخ زبان با حلقوم پیوست گردد حرف (قاف) ادا میشود.
  - ۲- (ك) : اگر کمی بالاتر از مخرج (قاف) زبان با حلقوم پیوست گردد حرف (کاف) ادا میشود.
  - ۳- (ج،ی،ش) : هرگاه قسمت وسطی زبان با کام مقابل پیوست گردد حروف (جیم، یا، شین) ادا میشود.
  - ۴- (ض) : هرگاه يك پهلوی زبان با دندانهای اضراس معمولاً به طرف چپ پیوست گردد حرف (ضاد) ادا میشود.
  - ۵- (ل) : هرگاه نوک زبان با بیخ دندانهای ثنایا علیا پیوست گردد حرف (لام) ادا میشود.
  - ۶- (ن) : هرگاه نوک زبان کمی پایینتر از مخرج (لام) با بیخ دندانهای رباعیات پیوست گردد حرف (نون) ادا میشود.
  - ۷- (ر) : هرگاه پشت نوک زبان با بیخ دندانهای ثنایای علیا پیوست گردد حرف (را) ادا میشود.
  - ۸- (ت،د،ط) : هرگاه نوک فوقانی زبان با نوک ثنایای علیا پیوست گردد حروف (تا، دال، طا) ادا میشود.
  - ۹- (ث،ذ،ظ) : هرگاه نوک زبان با نوک ثنایای علیا پیوست گردد حروف (ثا، ذال، ظا) ادا میشود.
  - ۱۰- (ز،س،ص) : هرگاه قسمت فوقانی زبان با قسمت وسط ثنایای فوقانی و تحتانی پیوست گردد حروف (زا، سین، صاد) ادا میشود.

لطفاً به تصاویر که نشان دهنده طریق درست تلفظ حروف است توجه نمایید!

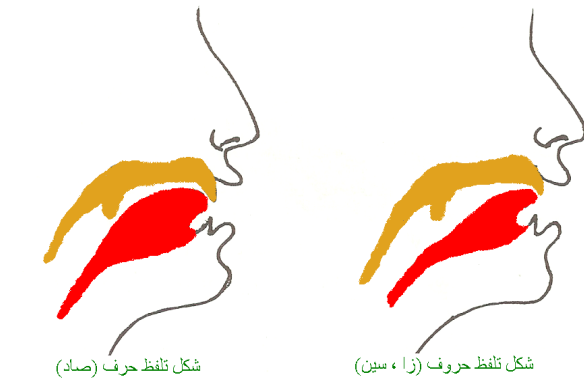
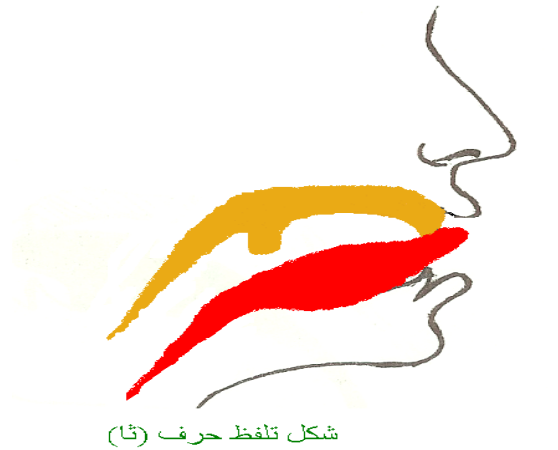






## مخارج شفتین (لبها).

- لبها دارای سه مخرج و چهار حروف میباشد.
- ۱- (ف) : هرگاه قسمت وسطی لب پائین با نوک ثنایای علیا پیوست گردد حرف (فا) ادا میشود.
  - ۲- (ب، م) : هرگاه لبهای بالا و پائین هر دو با هم پیوست گردند حروف (با، میم) ادا میشوند.
  - ۳- (و) : هرگاه هر دو لب شکل شگوفه گل را به خود گرفته اما پیوست نگردد حرف (واو) ادا میشود. لطفاً به تصویر توجه نماید.



## اقسام حروف

حروف به سه قسم است.

### ۱- حروف علت:

حروفی اند که از خود دارای آواز نمی باشند بلکه توسط یکجا شدن با حروف دیگر سبب تولید آواز میگردد. حروف علت توسط يك حصه دهن که بنام جوف دهن یاد میشود (بین زبان، کام و دندانها) ادا میگردند. حروف علت عبارت اند از (واو، الف، یا) میباشد.

### ۲- حروف اصلی:

حروفی اند که از خود آواز دارند و توسط همه حصه های دهن ادا میگردند که به جز حروف علت دیگر تمام حروف هجاء حروف اصلی میباشد.

۲- **همس:** به آهستگی خواندن را گویند که ضد آن جهر است تعداد حروف آن ده (۱۰) (ف، ح، ث، ه، ش، خ، ص، س، ک، ت) است، مجموعه حروف آن (فَحْتَه، شَخْص، سَكْت) است که به جز این حروف دیگر تمام حروف جهر است.

۳- **شدیده:** حروفیست که در حالت سکون آواز به آن بند میشود تعداد حروف آن هشت (۸) (ا، ج، د، ق، ط، ب، ک، ت) است که مجموعه آن (اَجِد، قَط، بَكْت) میباشد.

۴- **متوسط:** در لغت به معنی اعتدال است و در اصطلاح میانه روی صوت (آواز) در تلفظ است. حروفی اند که در میان شدیده و رخوه ادا میشوند که حروف آن پینج (۵) (ل، ن، ع، م، ر) و مجموعه آن (لُنْ عُمِر) میباشد.

۵- **رخوه:** رخوه در لغت به معنی نرمی، سهولت و سستی است و در اصطلاح علم تجوید در وقت ادا کردن حرف به چنان نرمی بندش آواز را گویند که به اثر آن آواز جاری میماند و حرف نرم ادا میشود، یعنی حروفی اند که آواز همشه آواز به آنها جاری میباشد. به جز از حروف متوسط و شدیده دیگر تمام حروف رخوه میباشد. البته ضد آن شدیده است.

۶- **مستعلیه:** مستعلیه که استعلا نیز گفته میشود، حروفیست که در وقت ادا کردن آن اکثر قسمت های زبان به طرف کام بالا میشود، که حروف آن هفت (۷) (خ، ص، ض، غ، ط، ق، ظ) میباشد و مجموعه حروف آن (خُص، ضَنْعَط، قَط) است.

۷- **مستقله:** مستقله که استفال نیز گفته میشود، حروفیست که در وقت ادا کردن آن اکثر قسمت های زبان به طرف کام بالا نمیشود. ضد آن مستعلیه است و به جز حروف مستعلیه دیگر تمام حروف مستقله میباشد.

۸- **مطبقه:** مطبقه که اطباق نیز گفته میشود حروفیست که در وقت ادا کردن آن اکثر قسمت های زبان به کام می چسبند حروف آن چهار (۴) (ص، ض، ط، ظ) و مجموعه آن (صَطْطُض) میباشد.

۹- **منفتحه:** منفتحه که انفتاح نیز گفته میشود حروفیست که در وقت ادا کردن آن اکثر قسمت های زبان به کام نمی چسبند. که ضد آن مطبقه بوده و به جز از حروف مطبقه دیگر تمام حروف منفتحه میباشد. صفات که قبلاً ذکر گردید ضد یک دیگر اند یعنی:

۱- همس که ضد آن جهر است.

۲- شدیده، متوسط که ضد آن رخوه است.

۳- مستعلیه که ضد آن مستقله است.

۴- مطبقه که ضد آن منفتحه است.

از این جهت هر حرف حتماً به چهار صفت متصف میشود. صفات متباقی ضد ندارد.

### ۳- حروف متروکه:

متروکه به معنی ترك شده و یا فراموش شده است و در اصطلاح به آن حروفی اطلاق میشود که در طبع فراموش شده اند. حروف متوکه عبارت اند از (واو، یاء، نون) میباشد، که در مصاحف عثمانی (آن عده از قرآنکریم که به شکل قرآنکریم که در دوران سومین خلیفه اسلام حضرت عثمان(رض) به طبع رسیده اند که تا کنون کشورهای عربی همه از همان شکل در وقت قرائت قرآنکریم ثمر میبرند) واضح گردیده است.

علما یکجا میسازند این حروف را به اندازه حروف اصلی لکن کم میکنند آنرا در طبع و اکتفا میکنند به دلالت کردن آن در انجام دادن مقصد، به طور مثال:

(يَلُؤُونَ نَآسِنَتَهُمْ) (اِنَّ وِلَى اللّٰهِ) (نَجَى الْمُؤْمِنِينَ) (اَلْفِهِمْ)

## صفات حروف.

شناختن صفات حروف برای قاری از جمله ضروریات قرائت به شمار میرود؛ زیرا تمیز حروف از یکدیگر توسط صفات آن صورت می پذیرد.

صفات در لغت عبارت از چیزی است که قائم به یک شی باشد مانند علم، روشنایی و تاریکی و در اصطلاح یک حالت است که برای حرف در وقت ادا در مخرجش پیدا میشود. نرم بودن یا سخت بودن حرف، پر بودن و یا باریک بودن حرف جاری و یا بند بودن نفس که این کیفیت ها و حالات حروف را بنام صفات حروف یاد میکنند. صفات حروف به دو قسم است.

### ۱- صفات متضاد.

#### ۲- صفات غیر متضاد.

(الف) **صفات متضاد:** صفات متضاد آن صفاتی را گویند که در مقابل خود ضد داشته باشد و در هر حرف که يك صفت وجود داشته باشد ضد آن حرف در حرف دیگر موصوف یکجا نمیشود، بلکه ضد آن در حروف دیگر میباشد.

(ب) **صفات غیر متضاد:** صفات غیر متضاد یا منفرد آن صفاتی را گویند که با خود ضد نداشته باشد و همراه صفات متضاد در يك حرف جمع شده.

### صفات متضاد.

صفات متضاد (۹) صفت را دربر میگیرد که قرار ذیل میباشد.

۱- **جهر:** به صدای بلند خواندن را گویند و در اصطلاح در وقت ادا کردن حرف آواز از مخرج به قوت بند نمودن را گویند که به اثر آن نفس و آواز بند میشود حروف آن نزده (۱۹) میباشد که عبارت اند از: (ء، ب، ه، د، ذ، ر، ز، ض، ط، ظ، ع، غ، ق، ل، م، ن، ی، ا، و)

که این صفت مخصوص حروف (لام ، را) میباشد. مانند: **الَّذِينَ** ، **رَسُوْلُ** الله ، **الله** .  
**۶- تکریر:** تکریر عبارت از تکرار شدن یکدفعه بعد از دفعه دیگر است و در اصطلاح به لرزش آوردن سر زبان در وقت تلفظ به حرف است. این صفت لازمه حرف (را) است. ولی باید متوجه بود که نگهداشتن این صفت در حرف ضروری است و غرض از معرفت با این صفت ترک نمودن قوت این صفت است. البته نه به طور کلی ترک آن شود بلکه متوجه باید بود که در وقت تلفظ به اندازه که لازم است (را) تکرار شود چونکه از تکرار حرف از اندازه معین آن (را) به (طا) تبدیل میشود که یک خطاء آشکار است.

**۷- استطانت:** در لغت به معنی امتداد و دراز کردن را گویند و در اصطلاح دراز کردن آواز است در حرف (ضاد) که این صفت صرف مربوط (ضاد) است.

## مد و احکام آن.

مد در لغت کش کردن و در اصطلاح علم تجوید کش کردن آواز است از یک (الف) تا سه (الف) یعنی یک حرکت تا شش حرکت میباشد.

### حروف مد:

مد دارای سه (۳) حرف میباشد که عبارت از (واو ، الف ، یا) که در کلمه (وای) جمع شده و آنوقت حروف مد شمرده شده میتواند که خودش ساکن و حرکت حرف ماقبل آن از جنس خودش باشد؛ طوریکه (الف) ساکن و حرکت حرف ماقبل آن (فتحه) ، (یا) ساکن حرکت حرف ماقبل آن (کسره) و (واو) ساکن و حرکت حرف ماقبل آن (ضمه) باشد. البته سبب مد همزه و سکون میباشد.

مانند: \* **كَانَ** \* **قَالُوا** \* **الَّذِينَ** \* **مَاءٌ** \* **السَّمَاءُ** \*

### اقسام مد:

مد به طور عموم به دو نوع است.

۱- مد اصلی: (مد قصیر) ویا (مد طبیعی)

۲- مد فرعی: (مد طویل) ویا (مد طبیعی زائد)

### مد اصلی (مد قصیر)

آن مدی را گویند که به از حرف مد (وای) سبب مد همزه و یا سکون موجود نباشد. مانند: **رَسُوْلٌ** که (واو) حرف مد است و بعد از آن سبب مد واقع نشده است. مد قصیر معمولاً به اندازه یک الف آواز دراز میشود و اقسام آن سه است که عیناً مانند مد اصلی (مد قصیر) حکم دارد که قرار ذیل است.

\* **كِتَابٌ** \* **نَسْتَعِينُ** \* **قَالَ** \*

## صفات غیر متضاد.

طوریکه قبلاً ذکر شد صفاتی اند که دارای ضد نمی باشد، که قرار ذیل میباشد.

۱- **صفیر:** در لغت آواریست مشابه به آواز پرند و در اصطلاح یک آواز زائد بوده که همراهی حروف سه گانه (ز ، س، ص) یکجا از هر دو لب خارج میشود که این حروف را صفیر گویند زیرا از این حروف آوازی شنیده میشود که مشابه آواز پرند است.

۲- **قلقله:** که در لغت جنبش و تکان و در اصطلاح علم تجوید تکان دادن حرف را در مخرج آن قلقله گویند. حروف قلقله پنج (ه) (ق، ط، ب، ج، د) که مجموعه آن (قُطْب جَد) است ، البته در وقت ادا کردن این حروف یک اندام به اندام دیگر نسبت به داشتن صفت شدت و جهر به سختی و قوت تماس میکند و بعد از تماس دو باره جدا میشود. مراتب قلقله سه میباشد.

۱- مرتبه اعلی در (قاف)

۲- مرتبه اوسط در (جیم)

۳- مرتبه ادنا در حروف دیگر (ط، با، دال)

ولی از نظر بعضی علما علم تجوید.

۱- مرتبه اعلی در موقوف علیه مشدد.

۲- مرتبه اوسط در ساکن و در حالت وقف.

۳- مرتبه ادنا ساکن در حالت وصل. لهذا قلقله به دو نوع است که قرا ذیل است.

(الف) قلقله کبیرا

(ب) قلقله صغرا

۱- **قلقله کبیرا:** قلقله کبیرا در اخیر کلمه واقع شده ساکن بوده و یا توسط وقف ساکن میشود مانند: **عَلَّقَ** **فَلَقَ** **وَقَبَّ** **لَقَدَّ** ، **بُرُوجٌ** **مُحِيطٌ** ☼

۲- **قلقله صغرا:** قلقله صغرا در وسط کلمه واقع و ساکن میباشد. مانند.

**تَجْرِي** ، **يَذُّوْنَ** ، **يَطْمَعُوْنَ** ، **أَبْقَى** ، **قَبْرِي**.

۳- **لین:** لین در لغت نرمی و در اصطلاح خارج نمودن حرف از مخرجش را لین گویند ، ولی در وقت ادا کردن آن با متوجه بود که فتحه ما قبل آنرا واضح و آشکارا ادا کرد. لین دو (۲) دارد که (واو ، یا) میباشد و در حالی حروف لین شمرده میشود که خودش ساکن و حرف ما قبل آن فتحه داشته باشد مانند: **خُوفٌ** **سَوْفٌ** ☼ ، **كَيْفٌ** ☼

۴- **تفشی:** در لغت پراکنده نمودن را گویند و در اصطلاح علم پراکنده نمودن هوا در دهن در وقت تلفظ نمودن حرف (ش) است ، بعضی علما این صفت را برای حروف (طا ، صاد ، ثا ، ضاد، راه، سین) نیز ثابت کرده اند ، ولی قول اول علما در مورد حرف (ش) قویتر بوده چونکه تنها در وقت ادا کردن آن هوا از دهن پاشان میشود.

۵- **انحراف:** انحراف در لغت میل و کج شدن است و در اصطلاح میلان حرف است بعد از خروج آن از طرف لسان یعنی در وقت ادا کردن حرف آواز ، از حافه لسان (طرف لسان) به طرف نوک زبان و از نوک زبان به طرف پشت زبان میلان کند.

## ۲- مد فرعی ( طویل )

مد فرعی یا مد طویل مدی را گویند که بعد از حرف مد سبب مد همزه و یا سکون موجود باشد ، این مد به اندازه سه الف یعنی شش حرکت دراز خوانده میشود. مانند

جَاءَ ، السَّمَاءُ ، مَنْ يَشَاءُ ، يَعْلَمُونَ ﴿١﴾ مُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾

جهت دانستن مثالهای ذیل لطفاً به مفهوم رنگها توجه کنید!

۱- رنگ سرخ حروف مد را نشان میدهد.

۲- رنگ سبز سبب مد را نشان میدهد.

۳- رنگ آبی باقی حروف را نشان میدهد.

## اقسام مد ( طویل )

مد طویل (۹) قسم است که هر کدام را جداگانه تشریح می کنیم.

### ۱- مد متصل:

مد متصل آن مدی را گویند که بعد از حرف مد (وای) سبب آن (همزه ، سکون) هر دو در يك کلمه موجود باشد. البته در حالت وصل خواندن مد متصل به اندازه (۴) الی (۵) حرکت باید صورت گیرد کمتر از آن جواز ندارد ، اما در حالت وقف و واقع شدن همزه در آخر کلمه مد آن تا (۴) حرکت خواندن جواز دارد ، بطور مثال:

\* أُولَئِكَ \* يَشَاءُ \* مَاءً \* خَالِدُونَ ﴿١﴾ يَجْعَلُونَ ﴿٢﴾

### ۲- مد منفصل:

مد منفصل آن مدیست که حرف مد (وای) در يك کلمه و سبب آن (همزه ، سکون) در کلمه دیگر واقع شود. مانند: مَا أَنْزَلْنَا ، بَيْتِي إِسْرَائِيلَ ، إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .

### ۳- مد مثقل کلمی:

مد مثقل کلمی آن مدی را گویند که حرف مد (وای) و سبب مد (همزه ، سکون) هر دو در يك کلمه واقع شود و سبب آن در ضمن مشدد باشد که این مد به اندازه شش حرکت خوانده میشود ؛ مانند:

دَابَّ ، حَاجَّ ، جُوئِي ، الْحَاقَّةُ ،

اگر کلمه حَاجَّ را تجزیه کنیم (حَاجَّ-ج) پس (الف) حرف مد است ، (ج) اول ساکن سبب مد که در (ج) دوم مدغم شده است.

### ۴- مد مثقل حرفی:

مد مثقل حرفی آن مدی را گویند که حرف مد (وای) و سبب مد (همزه ، سکون) هر دو در يك حرف واقع شود و سبب آن در ضمن مشدد باشد که این مد به اندازه شش حرکت خوانده میشود . این مد عموماً در ابتدا بعضی سوره های قرآن کریم در حروف مقطعات وجود دارد، باید متذکر شد که حروف مقطعات در اوایل ۲۹ سوره

## اقسام مد اصلی ( مد قصیر )

۱- مد بدل: این مد وقتی به وجود می آید که در قسمت اول کلمه دو همزه ( اول متحرک و و دوم ساکن) بیاید و همزه دوم با حرکت همزه اول به حرف موافق مبدل گردد. مانند:

\* أَمْنُوا \* أُوْتِي \* إِيْمَانًا \*

که أَمْنُوا در اصل ءَأَمْنُوا بوده و بعداً همزه دوم به (الف) تبدیل شده است ، أُوْتِي که در اصل ءَأُوْتِي بوده که همزه دوم به (واو) تبدیل شده است ، إِيْمَانًا که در اصل ءِإِيْمَانًا که همزه دوم به (یا) تبدیل شده است.

۲- مد صله: این مد ضمیر (ها) است. اگر در بین دو حرف متحرک واقع شود که حرف اول آن حرف مد و حرف دوم آن همزه و یا سکون نباشد مد صله ادا میشود. مانند:

\* لِيَصَاحِبَهُ إِحْوَارُهُ ، أَكْفَرْتُمْ \*

ولی باید متوجه بود که در صورت که بعد از (ها) سکون و یا همزه بیاید در آن صورت مد طویل منفصل ادا میشود نه مد کوتاه مانند \* يُحَاوِرُهُ ، أَكْفَرْتُمْ \* که بعد از (ها) (الف ، همزه) واقع شده است. قابل یاد آوریست که اگر ماقبل ، ما بعد و یا طرفین (ها) ساکن باشد مد صله صورت نمیگیرد ؛ به طور مثال: \* بِهِ اللَّهُ \*

## اقسام مد صله

مد صله به دو نوع است.

۱- مد صله صغرا.

۲- مد صله کبرا.

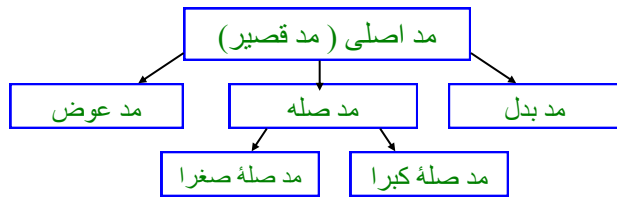
(الف) مد صله صغرا: هرگاه بعد از (ها) بدون حرف (الف) دیگر تمام حروف هجا بیاید آنرا مد صله صغرا گویند مانند: \* لَهُ عَآئِنَا \* بِهِ قَوْم \*

(ب) مد صله کبرا: هرگاه بعد از (ها) حرف (الف) بیاید آنرا مد صله کبرا گویند مانند: \* يُحَاوِرُهُ ، أَكْفَرْتُمْ \* که به اندازه چهار یا پنج حرکت دراز خوانده میشود.

### ۳- مد عوض:

آن مدی است که در آخر کلمه به عوض فتحتین میآید و به اندازه دو حرکت میباشد. مانند:

كَبِيرًا ﴿١﴾ أَفْوَجًا ﴿٢﴾ قَدِيرًا ﴿٣﴾



## ۸- مد عارضی:

مد عارضی آن مدی را گویند که سبب آن عارضی باشد که سبب عارضی سکون عارضی است. مانند: **شَاكِرُونَ** نَسْتَعِينُ خَالِدُونَ  
به طور مثال در کلمه **شَاكِرُونَ** که (واو) حرف مد و بعد آن (ن) که در حقیقت فتحه دارد واقع شده لیکن از جهت وقف ساکن شده است.

## ۹- مد فرق:

مد فرق آن مدی را گویند که به خاطر تفریق بین استفهام و خبر باشد این مد چهار مرتبه در قرآن کریم آمده است که قرار ذیل است.

۱- **قُلْ** اللَّهُ أَزَيْنَ لَكُمْ. (سوره مبارکه یونس)

۲- **اللَّهُ** خَيْرٌ. (سوره مبارکه النمل)

۳- **قُلْ** الذَّكْرَيْنِ. (سوره مبارکه انعام) این مثال دو مرتبه در این سوره آمده است.

آمده که ۷۸ حرف میباشد که با حذف مکرر ۱۴ حرف میباشد ، که بنام حروف (نورانی قرآن کریم) یاد میشود این حروف رازیست بین خداوند(ج) و حضرت محمد (ص) به طور مثال: **الْمَصِّ الْمَرَّ طَسْمَ حَمَّ**  
اگر **الْم** را تجزیه نمایم (الف ، لام ، میم) که (الف) بعد از (لام) حرف مد و دو میم با هم ادغام میشود و سکون در ضمن مشدد آمده که سبب مد است و چون در یک حرف آمده مد متقل حرفی نامیده میشود.

## ۵- مد مخفف کلمی:

مد مخفف کلمی آن مدی را گویند که حرف مد (وای) و سبب مد (همزه ، سکون) هر دو در یک کلمه بدون شد واقع شود که این مد به اندازه شش حرکت خوانده میشود ؛ مانند: **ءِ اَلَنْ** \*

که در این مثال (الف) بعد از همزه حرف مد و (لام) ساکن سبب مد میباشد و چون در یک کلمه واقع شده بنام مد مخفف کلمی یاد میشود. این تنها همین مثالی است که در قرآن کریم به این مد در سوره یونس شریف در آیت (۵۰ و ۹۰) آمده است.

## ۶- مد مخفف حرفی:

مد مخفف حرفی آن مدی را گویند که حرف مد (وای) و سبب مد (همزه ، سکون) هر دو در یک حرف بدون شد واقع شود که این مد به اندازه شش حرکت خوانده میشود. مانند: **ن ص ق**

که اگر (ن) را تجزیه نمایم (نون) که (و) حرف مد و (ن) ساکن سبب مد است.

## ۷- مد لاین:

لاین نرمی را گویند چون به نرمی ادا میشود از این جهت بنام لاین مسمی شده است. حروف مد لاین دو میباشد (واو، یا) و آنوقت حروف مد لاین شمرده میشوند که خودش ساکن و حرکت حرف ما قبل آن (فتحه) باشد البته سبب مد لاین همزه و سکون است. مد لاین به دو نوع است.

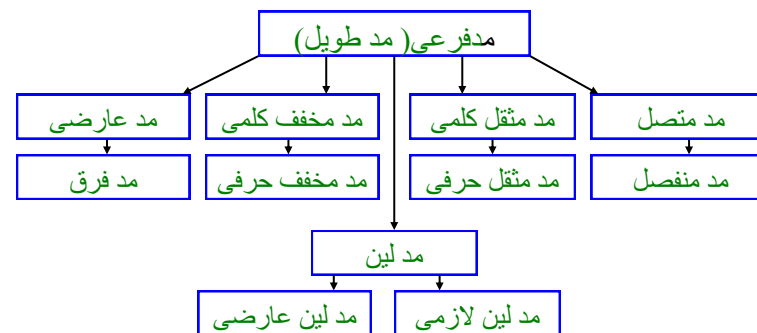
۱- مد لاین لازمی.

۲- مد لاین عارضی.

(الف) **مد لاین لازمی**: آن مدی است که بعد از حرف مد(واو، یا) سبب آن سکون لازمی باشد. مانند: **عَيْنٌ ، بَيْنٌ ، قَوْمٌ** \*

(ب) **مد لاین عارضی**: آن مدی است که بعد از حرف مد سبب آن سکون عارضی آمده باشد ؛ مانند: **خَوْفٌ سَوْفٌ كَيْفٌ**

قابل یادآوریست که این مد به اندازه (چهار الی شش) حرکت دراز خوانده میشود.



## نون ساکن و تنوین

در قرآن کریم دو نوع نون موجود است. یکی نون ساکن و دیگر نون تنوین.

۱- نون ساکن (نْ) صورت حرف را دارد ، نون ساکن در بین و آخر کلمه در حالت وصل و وقف می آید ؛ مانند: **عَنْ ، مَنْ ، أَنْ ، عَنْهُ**،

۲- هر حرفی که دارای دو ضمه، دو کسره ، دو فتحه ( دو پیش، دو زیر، دو زبر) باشد حرکت حرف مذکور در اخیر به نون تنوین مبدل میگردد. به شکل ( بْ ، پْ ، بُّ) نون تنوین صرف در آخر کلمه میآید در حالت وصل ثابت بوده ولی در حالت وقف ساقط میگردد ، باید متوجه بود که تنوین همیشه تابع حرف آخر کلمه میباشد.

مانند: **قَوْمٌ قَوْمٌ قَوْمٌ**

**أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ۖ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ۖ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ۖ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۖ**

## ۲- اقلاب:

اقلاب در لغت تبدیل نمودن يك چیز به چیز دیگر را گویند اما در اصطلاح علم تجوید تبدیل نمودن يك حرف به حرف دیگر است طوری که هرگاه بعد از نون ساکن و یا تنوین حرف (ب) بیاید در آن صورت نون ساکن و يك حرکت تنوین به (میم) تبدیل میشود؛ به طور مثال: **مِنْ بَعْدِ \* فَسُوْقُ بِكُمْ \* سَمِيعٌ بِصِيرٍ \***

## ۳- اظهار:

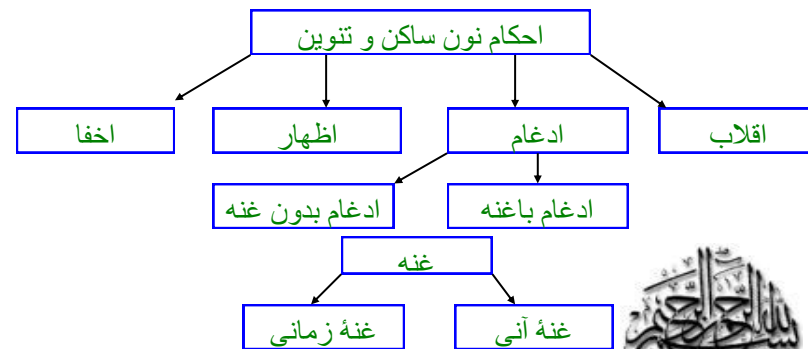
اظهار در لغت به معنی آشکار کردن است و در اصطلاح علم تجوید جدا کردن دو حرف است طوری که هرگاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف حلقی (ء، ه، ع، ح، غ، خ) بیاید اظهار در نون ساکن و تنوین صورت گرفته نون ساکن و تنوین را واضح تلفظ می کنیم؛ به طور مثال:

**إِنْ هَذَا \* مِنْ أَبَاهُمْ \* عَظِيمٌ حَكِيمٌ** ☀

## ۴- اخفا:

اخفا در لغت پنهان کردن را گویند و در اصطلاح علم تجوید هرگاه بعد از نون ساکن و یا تنوین غیر از حروف (ادغام، اقلاب، اظهار) یکی از پانزده حروف باقیمانده هجا بیاید در آن صورت نون ساکن و تنوین پنهان تلفظ میشود و اخفا صورت میگیرد؛ به طور مثال:

**لَنْ تَنَالُوا \* مَنْ ذَٰلِی \* مِنْ ثَمَرِهِ \* مِنْ شَرِّ \* مِنْ دِيَارِهِمْ \* شَيْ قَدِيرٌ \***



اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَمْ يَلَمْ يَلَمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

## احكام نون ساکن و تنوین

نون ساکن و تنوین دارای چهار حکم میباشد که عبارت اند از:

۱- ادغام:

۲- اقلاب:

۳- اظهار:

۴- اخفا:

## ادغام نون ساکن تنوین

ادغام در لغت درهم کردن و یا داخل نمودن يك چیز به چیز دیگر را گویند و در اصطلاح علم تجوید هرگاه بعد از نون ساکن و تنوین یکی از حروف ذیل (ی، ی، ر، م، ل، و، ن) که مجموعه آن (یرملون) است، بیاید ادغام در نون ساکن و تنوین صورت میگیرد. مانند: **مَنْ يَشَاءُ \* مُسْلِمًا وَ \* ادغام به دو نوع است.**

۱- ادغام باغنه.

۲- ادغام بدون غنه.

قبل از اینکه به بحث خویش در مورد ادغام و اقسام آن ادامه بدهیم لازمی میبینم تا تشریح کامل از غنه داشته باشیم.

## غنه:

غنه آوازیست که از خشیوم (بیخ دماغ) میبیرد، که در وقت ادا آنها نفس از راه دهن قطع گردیده از راه بینی خارج میشود که حروف آن (نون، میم، یا، و) است. غنه به دو نوع است.

۱- **غنه آنی:** غنه آنی همیشه با نون و میم وجود می داشته باشد خواه ساکن باشد یا متحرک، مشدد و یا مخفف در هیچ حالت از آن جدا نمی باشد، اگر در وقت ادا کردن این دو حرف نفس از راه خشیوم خارج نشود حروف ناقص ادا میشود.

۲- **غنه زمانی:** غنه زمانی در بعضی حالات با نون و میم موجود میباشد و ل عموماً با حروف دیگر غنه میآید.

## (الف) ادغام باغنه:

هرگاه بعد از نون ساکن و تنوین یکی از حروف (یمنو) یعنی (ی، م، ن، و) بیاید ادغام باغنه صورت میگیرد؛ به طور مثال:

**هُدًى مُسْتَقِيمٌ \* كَرِهًا وَ \* رَسُولٌ مِّنْ \***

## (ب) ادغام بدون غنه:

هرگاه بعد از نون ساکن و تنوین یکی از حروف (لر) یعنی (ل، ر) بیاید ادغام بدون غنه صورت میگیرد؛ به طور مثال:

**مِنْ رَبِّ \* هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* مَنْ لَّمْ \***

لَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْتَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ☀ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ☀

## اقسام ادغام از نقطه نظر مخارج حروف

از نقطه نظر مخارج حروف ادغام به دو نوع است که قرار ذیل میباشد.

- ۱- ادغام کامل ، تَحْرِیةَ الْحَرْفِ (از بین رفتن حرف)
- ۲- ادغام ناقص، تَحْرِیةَ الْحَرْفِ مع عدم تشدید التالی (از بین رفتن حرف با نداشتن تشدید حرف دومی)

(۱) ادغام کامل ، تَحْرِیةَ الْحَرْفِ (از بین رفتن حرف): از علامت سکون با تشدید حرف دوم دلالت حرف اول در حرف دوم با (شد) را ادغام کامل گویند. مفهوم ادغام کامل چنین است که حرف اول کاملاً از بین رود و حرف دوم به جای آن خوانده شود.

ادغام کامل در ادغام (جنسین ، مثلین ، متقاربین) نیز وجود دارد و در احکام نون ساکن و تنوین نیز واقع شده است ، طوریکه هرگاه بعد از نون ساکن و تنوین یکی از حروف ذیل ( لام ، نون ، را ، میم ) بیاید در انصورت ادغام کامل صورت میگیرد ؛ به طور مثال: **قَالَتْ طَائِفَةٌ** که در این مثال دیده میشود که حرف (ت) کاملاً از بین رفته و حرف (ط) بجایش خوانده میشود.

**إِذْ ظَلَمُوا \* فَذَنَّبَهُ \* مَنْ نَشَاءُ \* فَذَنَّبْنَا \* نَخْلُفُكُمْ \***

### اقسام ادغام کامل.

ادغام کامل به سه قسم است.

۱- ادغام جنسین:

۲- ادغام مثلین:

۳- ادغام متقاربین:

(الف) ادغام جنسین: اگر در يك كلمه دو حرف از يك جنس و يك مخرج پيهم و يكسان بیاید که حرف اول آن ساکن و حرف دوم آن مشدد باشد آنرا ادغام جنسین گویند ؛ مانند : **يَلْهَيْتُ ذَٰلِكَ \* أَرْكَبُ مَمَّعًا \* عَبْدٌ تُمْ \***

(ب) ادغام مثلین: هرگاه در يك كلمه دو حرف يكسان و پيهم بیایند که حرف اول آن ساکن و حرف دوم آن مشدد باشد حرف اول در حرف دوم مدغم شده آنرا ادغام مثلین گویند ؛ مانند : **وَقُلْ لَهُمْ \* فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ \* فَذَنَّبَهُ \***

(ج) ادغام متقاربین: هرگاه در يك كلمه دو حرف طوری يكسان و پيهم بیاید که مخارج آنها باهم نزدیک باشد آنرا ادغام متقاربین گویند ؛ مانند:

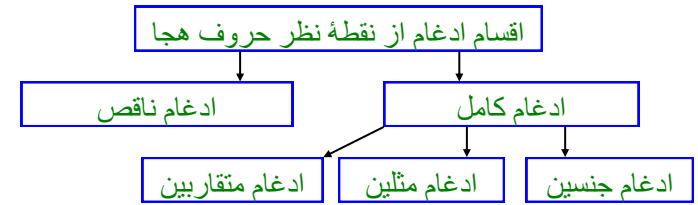
## ۲- ادغام ناقص، تَحْرِیةَ الْحَرْفِ مع عدم تشدید التالی:

ادغام ناقص دلالت به ادغام حرف اول در حرف دوم بدون (شد) را گویند ، که حرف اول در موجودیت حرف دوم با وجود نداشتن (شد) از بین میرود چنین ادغام را ادغام ناقص گویند ، مانند:

**\* أَحَطَّتْ \* أَحَطُّمُ \* فَرَطَتْ \* فَرَطُمُ \* بَسَطَتْ \***

ادغام ناقص در احکام نون ساکن و تنوین نیز موجود است طوریکه هرگاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف ذیل بیاید ادغام ناقص صورت میگیرد .

مانند: **مَنْ يَشَاءُ \* مَنْ يُرِيدُ \* كَرَهَا وَ \* مُسْلِمًا وَ \***



## احکام میم ساکن.

میم ساکن دارای سه حکم میباشد .

۱- ادغام:

۲- اخفا:

۳- اظهار:

### (الف) ادغام میم ساکن:

هرگاه بعد از میم ساکن میم متحرك واقع شود میم اول در میم دوم مدغم میشود که این قسم ادغام را بنام ادغام میم ساکن یاد میکنند ، که در ادغام مثلین نیز وجود دارد . به طور مثال: **كُنْتُمْ مَا \* أَمْ مَنْ \* أَنْكُمْ مَا كِثُونَ \* كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ \***

### (ب) اخفا میم ساکن:

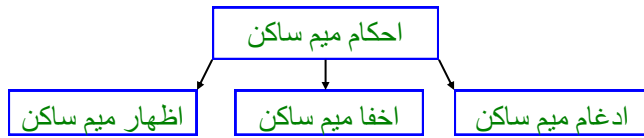
هرگاه بعد از میم ساکن حرف (ب) بیاید آنرا اخفا میم ساکن گویند به طور مثال:

**تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ \* فَهَرَمُوهُمْ بِأَدْنِ اللَّهِ \* أَمْوَالُهُمْ بِاللَّيْلِ \***

### (ج) اظهار میم ساکن:

هرگاه بعد از میم ساکن بدون حرف (ب، م) حروف دیگر هجا بیاید اظهار در میم ساکن صورت میگیرد ؛ به طور مثال:

**أَمْ لَهُمْ \* فُلُوبُهُمْ وَ \* مِنْهُمْ خَيْرَ \* مِنْهُمْ وَ \***



### حکم نون مشدد و ميم مشدد.

در مورد حکم نون مشدد و ميم مشدد بايد تحرير داشت که هرگاه نون و يا ميم مشدد واقع ميشود در آنصورت برابر به يك (الف) غنه کردن ضروری است مانند: **إِنَّ \* مِمَّا \* أَنْ \***

## احكام لام ساكن

ار نقطه نظر علم تجويد لام به چهار قسم است که قرار ذيل ميباشد.

۱- لام آل:

۲- لام فعل:

۳- لام هل:

۴- لام بل:

(الف) لام ال: لام ال به دو قسم است.

۱- الف لام قمری:

۲- الف لام شمسی:

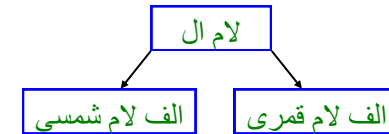
(الف) الف لام قمری: حروفی که لام قمری در آن لفظاً ادغام نگردد آنرا ( الف لام قمری) گویند ، حروف الف لام قمری (۱۴) ميباشد که عبارت اند از ( ا ، ب ، غ ، ح ، ج ، ك ، و ، خ ، ف ، ع ، ق ، ی ، م ، ه ) بوده که مجموعه آنها ( أَبْغ ، حَجَّكَ ، وَخَفَّ ، عَقِيمَه ) ميباشد. مثلاً:

۱	هَذَا لَيْتَ	ب	۸	مَا لَفَارِعَةَ	ق
۲	مِنَ الْجَنَّةِ	ج	۹	أَعْطَيْتَكَ الْكَوْثَرَ	ك
۳	الْحَمْدُ لِلَّهِ	ح	۱۰	إِنَّ الْمَالَه	م
۴	وَالْخَوْفِ	خ	۱۱	فِي الْأَرْضِ	ا
۵	أَوْثُوا الْعِلْمَ	ع	۱۲	الْوَعِيدِ	و
۶	مِنَ الْعَافِلِينَ	غ	۱۳	الْهَكْمُ التَّكَاتُرِ	ه
۷	يَوْمَ الْفُصْلِ	ف	۱۴	أَصْحَابِ الْيَمِينِ	ی

(ب) الف لام شمسی:

هرحرفی که لام تعريف در آن لفظاً ادغام گردد آنرا (الف لام شمسی) گویند حروف شمسی (۱۴) ميباشد ، که عبارت اند از: ( ت ، ث ، د ، ذ ، ر ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ل ، ن ) ميباشد ، مثلاً :

۱	الْتَّنْبُؤْنَ	ت	۸	وَالشَّمْسُ	ش
۲	مِنَ التَّمْرَاتِ	ث	۹	وَالصَّلَاةِ	ص
۳	الْدَّهْرِ	د	۱۰	وَالضُّحَى	ض
۴	وَالذَّارِيَاتِ	ذ	۱۱	الطَّامَةِ	ط
۵	الرَّاكِعُونَ	ر	۱۲	وَالظَّالِمُونَ	ظ
۶	الرَّقُومِ	ز	۱۳	وَالنَّاسِ	ن
۷	السَّمَاءِ	س	۱۴	وَاللَّيْلِ	ل



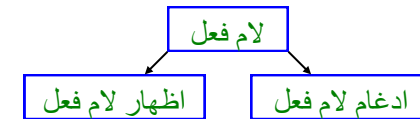
۲- لام فعل: لام فعل دو حکم دارد.

۱- ادغام لام فعل:

۲- اظهار لام فعل:

(الف) ادغام لام فعل: هرگاه بعد از لام فعل حرف ( لام ، را ) بيايد ، لام فعل ادغام ميشود ، مانند: **قُلْ رَبِّ \* قُلْ لِلَّهِ \***

(ب) اظهار لام فعل: هرگاه بعد از لام فعل به جز از حرف (لام ، را) حروف ديگر هجا بيايد اظهار در لام فعل صورت ميگيرد، مانند: **قُلْ أَعُوذُ \* قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \***



۳- لام هل: لام هل دو حکم دارد.

۱- ادغام لام هل:

۲- اظهار لام هل:

(الف) ادغام لام هل: هرگاه بعد از لام هل حرف ( لام ، را ) بيايد لام هل ادغام ميشود ، مانند: **هَلْ لَنَا \* هَلْ رَبَّهُمْ \* هَلْ لَكُمْ \***



## احکام حرف را:

به طور عموم (را) دو حکم دارد که قرار ذیل میباشد.

- ۱- تفعیم حرف (را)
- ۲- ترفیق حرف (را)

## تفعیم حرف را:

- ۱- هرگاه (را) مفتوح و یا مضموم باشد، (زبر، پیش) داشته باشد تفعیم خوانده میشود خواه مشدد باشد یا مخفف، مانند: **رَبِّ** \* **رُبَمَا** \* **رَسُولُ** \*
- ۲- هرگاه (را) ساکن و ما قبل آن مفتوح و یا مضموم باشد، (زبر، پیش) داشته باشد (را) تفعیم خوانده میشود، مانند: **مَرِّمِ** \* **مُرْجُونَ** \* **مُرْسَلُهُ** \*
- ۳- هرگاه (را) ساکن ما قبل آن مکسوره به کسره عارضی باشد تفعیم خوانده میشود مانند: **أَمْ آرْتَابُوا** \* **لَمَنْ آرْتَضَى** \* **وَأَرْجِعُوا** \*
- ۴- هرگاه (را) ساکن ماقبل آن مکسوره ولی ما بعد آن یکی از حروف مستعلیه باشد (را) تفعیم خوانده میشود؛ مانند: **فِرْقَه** \* **قِرْطَاس** \* **وَرَعُوا** \*

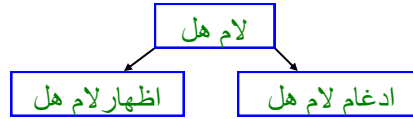
۵- هرگاه (را) توسط وقف ساکن شود، حرف ما قبل آن نیز ساکن باشد در این صورت حرکت حرف (سوم) را در نظر گرفته اگر حرف سوم فتحه و یا ضمه داشت در آن صورت (را) تفعیم خوانده میشود.

مانند: **فُتُوْرَ** \* **كُبُوْرَ** \* **قُبُوْرَ** \*

## ترفیق حرف را:

- ۱- هرگاه (را) کسره داشته باشد ترفیق خوانده میشود. مانند: **رِجَالٍ** \* **بِأَيِّرٍ** \* **رِزْقٍ** \*
- ۲- هرگاه (را) ساکن حرف ما قبل آن مکسوره باشد (را) ترفیق خوانده میشود. مانند: **فِرْعَوْنَ** \* **نُعَادِرُ** \* **فِرْسَه** \*
- ۳- هرگاه (را) ساکن و ما قبل آن (ی) ساکن باشد، (را) ترفیق خوانده میشود. اگر چی ما قبل آن مفتوح و یا مضموم باشد. مانند: **خَيْرٍ** \* **كَبِيرٍ** \* **قَدِيرٍ** \* **خَبِيرٍ** \*

(ب) **اظهار لام هل**: هرگاه بعد از لام هل بدون حروف (لام، را) حروف دیگر هجا بیاید اظهار در لام هل صورت میگیرد، مانند: **هَلْ تَعَلَّمُ** \* **هَلْ كُنْتُمْ** \*



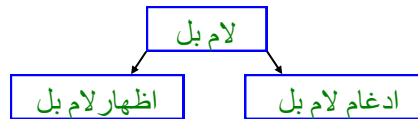
### ۳- لام بِل:

لام بِل دو حکم دارد:

- ۱- ادغام لام بِل:
- ۲- اظهار لام هل:

(الف) **ادغام لام بِل**: هرگاه بعد از لام بِل حرف (لام، را) بیاید لام بِل ادغام میشود. مانند: **بَلِّ رَّبُّكُمْ** \* **بَلِّ لَهُمْ** \*

(ب) **اظهار لام بِل**: هرگاه بعد از لام بِل بدون حروف (لام، را) حروف دیگر هجا بیاید اظهار در لام بِل صورت میگیرد، مانند: **بَلِّ كَذَّبُوا** \* **بَلِّ كُنْتُمْ** \*



## تفعیم و ترفیق لام لفظ الله (ج)

۱- **تفعیم**: تفعیم به معنی پر خواندن است و هرگاه حرف ما قبل از اسم الله (ج) فتحه و یا ضمه (زبر، پیش) داشته باشد، اسم الله (ج) تفعیم خوانده میشود. مانند: **أَللَّهُ** \* **نَصْرُ اللَّهِ** \* **هُوَ اللَّهُ** \* **عَبْدُ اللَّهِ** \*

۲- **ترفیق**: ترفیق به معنی باریک خواندن است و هرگاه حرف ما قبل اسم الله (ج) کسره (زیر) داشته باشد، اسم الله (ج) ترفیق خوانده میشود. مانند: **أَعُوذُ بِاللَّهِ** \* **بِسْمِ اللَّهِ** \* **سَبِيلِ اللَّهِ** \*

## تفعیم و ترفیق الف

مستعلیه (خص، ضغط) - تفعیم: هرگاه حرف ما قبل (الف) از جمله حروف (قط،

باشد حرف (الف) پر خوانده میشود؛ مانند: **خَالِدُونَ** \* **غَافِلُونَ** \* **قَالَ** \*

۲- **ترفیق**: هرگاه حرف ما قبل (الف) به جز حروف مستعلیه حروف دیگر هجا

# معرفت وقف

۴- هرگاه (را) توسط وقف ساکن شود ، حرف ما قبل آن نیز ساکن باشد در این صورت حرکت حرف (سوم) را در نظر گرفته اگر حرف سوم مکسوره باشد در آنصورت (را) ترقیق خوانده میشود ؛ مانند: **حَجْرٌ قِطْرٌ** ☀

## فرق بین الف و همزه

فرق بین همزه و الف آنست که (الف) همیشه ساکن است از این لحاظ هیچگاه در اول کلمه واقع نمیشود ، جز در کلمات دری به شکل الف در شروع آمد. ولی در کلمات عربی همیشه در وسط و یا اخیر کلمه واقع میشود، بر عکس همزه میتواند در آغاز کلمه ، وسط ، و اخیر کلمه بیاید و همیشه ساکن نیست.  
به طور مثال: **كَانَ \* دَعَا \* قَالَ \***  
همزه به طور عموم به دو قسم است.

۱- همزه اصلی:

۲- همزه زائده:

(الف) همزه اصلی: آن همزه را گویند که در مقابل یکی از حروف اصلیه یعنی به جز (واو ، الف ، یا) در مقابل دیگر حروف هجا واقع شود ؛ مانند: **سَأَلَ \***

(ب) همزه زائده: آن همزه را گویند که در مقابل یکی از حروف (اصلیه) نباشد یعنی حروف علت باشد (واو ، الف ، یا) بیاید ؛ مانند: **إِيْمَانًا \***

## را ، اماله

اماله به معنی میل دادن است و در اصطلاح میل دادن کسره به سوی (یا) و نرسدن خالص به سوی (یا) و نه خالص (فتحه، الف) خوانده شود و نه خالص (کسره ، یا) خوانده شود البته باید در بین (الف) و (یا) خوانده شود. این نوع (را) بنام (بین الیین) نیز یاد میشود ؛ مانند: **بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهُ ۱َا وَ مُرْسَهَا \***

## نون قطنی

هرگاه بعد از تنوین کلمه بیاید که حرف اول آن همزه وصل باشد در حالت وصل تنوین به نون مکسوره تبدیل میشود که همین نون را نون قطنی گویند که در قرآنکریم به نون کوچک نشان داده است. ( ۵ ) البته قابل یادآوریست که در حالت وقت به نون قطنی ضرورت نست.

مانند: **مَحْمُودًا ۱َذِي \* مُحَمَّدًا ۱َوْسِيْلَةً \* جَمِيْعًا ۱َذِي \***

وقف در لغت ایستادن و اندکی درنگ کردن میان کلام است و در اصطلاح علم تجوید ساکن کردن آخر کلمه است با قطع صوت و نفس ، ضد وقف وصل است ، میان وقف و وصل را سکنه گویند ؛ در هنگام وقف صدا و نفس هر دو قطع شده و نفس تازه میشود ولی در هنگام وصل صدا و نفس قطع نشده و نفس تازه نمی شود. قطع اعراب و همه حرکت ها بدون تازه کردن نفس را سکنه گویند.  
برای شناختن وقف پنج امر ضروری است ؛ که عبارت از ( تعریف وقف ، دانستن جای وقف ، دانستن موقوف علیه یا کلمه که برای آن وقف میشود، رموز وقف ، و اقسام وقف)

### ۱- تعریف وقف:

ساکن کردن آخر کلمه است با قطع صوت و نفس یعنی بالای حروفیکه موقوف علیه شمرده میشوند توقف نمودن به اندازه که قطع نفس صورت پذیرد.

### ۲- جای و محل وقف:

همیشه باید در آخر آیات وقف نمایم ، در وسط در صورت که علایم وقوف موجود نباشد وقف ناروا است. در جای باید وقف شود که معنی آیت تغییر نکند.

### ۳- حروف موقوف علیه:

هر حرفی که در اخیر کلمه واقع شود باید ساکن گردد و بعداً توقف صورت گیرد ، که آن حروف را حروف موقوف علیه یاد میکنند.

### ۴- رموز وقف:

رموز وقف بیک عباره مخفف حرفی است که نمایندگی از کلمه وقف میکند و در جا های مناسب قرار دارد تا برای قاری رهنمائی وقف کرده باشد.

### ۵- اقسام وقف:

وقف به پنج نوع است که بعداً آنرا مفصلاً شرح میدهیم ، پس باید موقع و مقام وقف را بدانیم و درست و صحیح وقف نمایم. در قرآنکریم به چندین طریقه وقف صورت میگیرد ، که قبل از شرح اقسام وقف لازمی میبینم تا اشاره به طروق وقف که در دانستن اقسام وقف نقش مهم دارد داشته باشیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۳﴾ مَا يَلِكُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿۴﴾ يَا تَبَّ تَعَبًا

وَيَا تَبَّ تَسْتَعِينُ ﴿۵﴾ إِخْدَانًا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ ﴿۶﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، غَيْرِ

الْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ، وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾

## اقسام وقف

وقف به پنج نوع است.

۱- وقف تام:

۲- وقف حسن:

۳- وقف کافی:

۴- وقف قبیح:

۵- وقف اضطراری:

(الف) **وقف تام:** آنست که کلام در حالت وقف از حیث معنی و لفظ تما و به ما بعد کدام ارتباط و وابستگی نداشته باشد، که وقف حتمی و ضروری است، این نوع وقف همشه در اخیر آیات واقع شده و به علامات (م، ط، قف) نشان داده میشود. مانند: **أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** ☀

(ب) **وقف حسن:**

آنست که کلام از حیث معنی تمام ولی از جهت لفظ بستگی به ما بعد داشته باشد، که وقف بر آن نیکوتر است ام حسن نیکوتر وصل به ما بعد است مانند: **(وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا) که وقف در کلمه (وَأَمَنُوا) حسن نیکو است ول وصل آن به (إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ) ☀ حسن نیکوتر است یعنی وصل آن بهتر از وقف است، وقف حسن معمولاً در قرآن کریم به (ز، ص) نشان داده میشود.**

**وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ** ☀  
سوره مبارکه الاعراف آیت (۱۵۳)

(ج) **وقف کافی:**

آنست که کلام حیث لفظ تمام ولی از جهت معنی ارتباط به ما بعد داشته باشد که وقف به آن نیکو و کافی است، وقف کافی عموماً به علامت (ج) نشان داده میشود. مانند: **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ** ☀  
سوره مبارکه البقره آیت (۴۵)

(د) **وقف قبیح:**

آنست که کلام از حیث لفظ و معنی به ما بعد تعلق شدید داشته باشد و به اثر وقف تغییر فاحشی در معنی آیهای مبارکه واقع میشود، لهذا ارتباط ما بعد را از ماقبل قطع نمودن نا جایز است؛ مانند: **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ** ☀  
سوره مبارکه محمد آیت (۲)

## طرق وقف

به چهار طریق میتوان در جای مناسب وقف نمود که قرار ذیل است.

۱- **اسکان:**

عبارت از ساکن نمودن کلمه های که دارای (فتحه، کسره، ضمه، ویا تنوین) باشد، مانند. **الرَّحِيمِ ☀ الْمُؤْمِنِينَ ☀ قَدِيرٌ ☀**

۲- **با ابدال:**

ابدال به معنی تبدیل نمودن است و در اصطلاح علم تجوید تبدیل نمودن (ه) تانیث (تا مربوطه) به (ها) و کلمات منسوب به الف را ابدال گویند. مانند: **أَصْلُوهُ ☀** که خوانده میشود **أَصْلُوهُ ☀ كَبِيرٌ ☀** که خوانده میشود **كَبِيرًا ☀**  
۳- **اشمام:**

اشمام در لغت بویانیدن را گویند و در اصطلاح علم تجوید عبارت از ساکن نمودن اخیر کلمه و اشاره لبها است به سوی ضمه. اشمام در کلماتی صورت میگیرد که دارای يك ضمه و یام دو ضمه اند مانند: **نَسْتَعِينُ ☀ مُؤْمِنِينَ ☀** در این مثالها نون ضمه دارد ولی از جهت وقف حرلت آن خوانده نمیشود و در جریان وقف لبها به سوی ضمه اشاره میکند.

۴- **روم:**

روم به معنی اراده کردن، طلب نمودن و جستن است، و در اصطلاح علم تجوید ضعیف گردانیدن حرکت و ادا ثلث حرکت میباشد، طوریکه به آواز خفی که تنها کسی که پهلوی قرائت کننده باشد سمع کرده بتواند و به وسیله حس سامعه حرکت کلمه موقوف علیها را که در نتیجه اظهار ثلث ایجاد شده حس نماید. یعنی به گوش تشخیص و به چشم دیده شود. بعضی علما به این عقیده اند که (روم) در حرفیکه (کسره) داشته باشد جایز است و در (فتحه، ضمه، رفع) جایز نیست. اما برخی از علما به این نظر اند که در (ضمه، کسره، رفع، جزم) جایز است. ولی در (فتحه، نصب) جایز نیست. که قول دوم علما قوی و جایز است.

مانند: **مِن قَبْلُ ☀ نَسْتَعِينُ ☀ عَظِيمٌ ☀**

**إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** ٥٦

خواندیم کلمه دوم را باید وقف نمایم .

مانند: **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ** ☀

سوره مبارکه البقره آیت (۲)

۵- ( م ) : علامت وقف لازم است یعنی حتمی باید وقف شود از نکردن وقف در

معنی آیت خلل واقع میشود ؛ مانند: **إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى** -

۶- ( لا ) : نشانه نفی و عدم جواز وقف است. وقف کردن موجب تغییر معنی کلام

شده و نباید وقف نمود ؛ چنانچه به علت نرسیدن نفس وقف شد لازم است که از

کلمه وقف شده مجدداً شروع نمائیم مگر در آخر آیات که روایت شده پیامبر

گرامی (ص) وقف می نمودند .

مانند: **إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا** ☀

سوره مبارکه المزمّل آیت ( ۱۵ )

۷- (ج) علامت وقف جایز است وقف و وصل هر دو جایز است لیکن وقف بهتر

است ؛ مانند: **إِنَّ هَذِهِ تَذَكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا** ☀

۸- (صلی) : علامت وقف جایز است وقف و وصل هر دو جایز است لیکن وصل

بهتر است . مانند: **قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن**

**شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ** ☀ سوره مبارکه الملک آیت ( ۹ )

۹- (قلی) : علامت وقف جایز است وقف و وصل هر دو جایز است لیکن وقف

بهتر است ؛ مانند: **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ** ☀

**وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا** ☀ سوره مبارکه النساء آیت (۷۸)

۱۰- (ط) : علامت وقف مطلق است یعنی حتمی و باید وقف شود.

مانند: **فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ** ☀

سوره مبارکه البقره آیت (۳۷)

۱۱- (ز) : علامت وقف مجوز است البته از جمله وقف الحسن محسوب میشود ،

وصل بهتر است.

مانند: **أَلْزَانِي لَا يَنْكُحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً هَ وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكُحُهَا إِلَّا**

**زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ** ☀ سوره مبارکه النور آیت (۳)

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٢﴾

در این آیه دیده میشود که **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ** ارتباط شدید به ما بعد خود یعنی **كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بِالْهَمِّ** دارد. وقف قبیح عموماً به علامت (لا) نشان داده میشود.

### ۵- وقف اضطراری:

آنست که خواننده آنرا به اثر تنگی نفس یا در موقع سرفه، عطسه و غیره به وقف کردن احتیاج پیدا میکند ، در آنصورت برای خواننده وقف جایز است ، اما کوشش شود تا در کلمه وقف صورت گیرد که تغییر در معنی آیت واقع نشود ، البته بعد از زرع اظطرار از کلمه که مناسب باشد از ماقبل شروع نماید.

## علامت وقف

۱- ( ج ) : علامت وقف غفران است . غفران به معنی بخشش و آمرزش است که

مطابق به فرموده حضرت محمد(ص) هرگاه به آن وقف شود موجب مغفرت و

آمرزش میشود. علامت این وقف ( ج ) بوده و در بعضی چاپ های قرآنکریم

علامت آن در بالا و یا پائین آن نگاشته شده است ؛ مانند: **يَحْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ**

**مَا يَا تَيْبِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ** ☀ سوره مبارکه یس آیت (۳۰)

۲- ( ط ) : علامت وقف منزل است منزل به معنی نازل و فرو فرستاده است. این

وقف نظر به آته مبارکه ، **فَإِذَا قَرَأْتَ نُفَسًا فَاتَّبِعْ قُرْآنًا** \* حضرت جبرئیل (ع) هنگام

تلقین آیات قرآنکریم به حضرت محمد(ص) در آنجا وقف نموده که بنام وقف

جبرئیل یا منزل یاد میشود. در بعضی مصاحف این وقف چاپ گردیده که علامت

آن بالا و یا پائین آن نوشته شده است ؛ مانند:

**إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ** ☀

سوره مبارکه الانعام آیت (۳۶)

۳- (☀) : این علامت وقف نبی(ص) است، که حضرت محمد(ص) هنگام قرائت

در این مواضع وقف نموده اند. وقف نموده در این علامت سنت است وقف بهتر

است؛ مانند: **أَيُّهَا الْقَدْرُ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ** ☀ سوره مبارکه القدر آیت (۳)

۴- ( . . . ) : این علامت وقف معانقه است. معانقه به معنی با هم کردن و

نزدیک کردن است و در اصطلاح علم تجوید هرگاه دو وقف پهلوی همدیگر واقع

شود آنرا وقف معانقه گویند. علامت آنرا بالای آن کلمه میگذارند ، هرگاه در کلمه

اول وقف نمودیم کلمه دوم را باید وصل بخوانیم و بر عکس اگر کلمه اول را وصل

## اشباع (ها) ضمیر (ها) کنایه

اشباع در لغت سیر نمودن را گویند و در اصطلاح علم تجوید عبارت از پر خوانده حرکت حرف است به قسمیکه در ضمه به شکل (واو) و در کسره به شکل (یا) ادا گردد. اشباع در حالت واقع میشود که ما قبل ، ما بعد و طرفین آن متحرک باشد .  
مانند: **مَالُهُ ، \* رَسُوْلُهُ ، \* سَمِعَهُ ، \* بِهِ ، \***

### عدم اشباع (ها) ضمیر (ها) کنایه

اشباع (ها) ضمیر در سه حالت صورت نمی پذیرد.

۱- هرگاه ماقبل (ها) متحرک ولی مابعد (ها) ساکن باشد اشباع صورت نمیگیرد.

مانند: **بِهِ الْأَرْضُ \* بِهِ اللَّهُ \***

۲- هرگاه ماقبل (ها) ساکن ولی مابعد (ها) متحرک باشد اشباع صورت نمیگیرد.

مانند: **فِيهِ هُدًى \* عَلَيْهِ مَا \***

۳- هرگاه طرفین (ها) ساکن باشد اشباع صورت نمیگیرد.

مانند: **مِنْهُ الْأَمَالُ \* يَعْلَمُهُ اللَّهُ \***

قابل یاد آوریست که اشباع (ها) لفظی بوده تحریری وجود ندارد.

## سکته

(س) دلالت به سکته خواندن حرف در حالت وصل بدون تازه کردن نفس است ، یعنی بالای کلمه که علامت مذکور واقع شود آن کلمه باید به شکل سکته که تمام اعراب و حرکت ها قطع شده بدون تازه کردن نفس. در مصاحف عثمانی سکته در تمام قرآنکریم در چهار جای واقع شده که قرار ذیل است.

۱- (عَوْجًا) ﴿ قَيْمًا ﴾ آیت (۱) سوره مبارکه کهف.

۲- (مَرْفَدْنَا هَذَا) آیت (۵۲) سوره مبادکه یس.

۳- (مَنْ رَاقٍ) آیت (۲۷) سوره مبارکه قیامه.

۴- (بَلِّ رَانَ) آیت (۱۴) سوره مبارکه المطففین.

## حروف (جر)

حروف جر عبارت از (فِي ، مِنْ ، عَلَى ، إِلَى ، عَنْ ، بَ ، لَ ، كَ) میباشد حروف جر عموماً به اسم داخل میشود ، اسمیکه حروف جر همراهی آن یکجا میشود بنام اسم مجرور یاد میشود حروف جر و اسم مجرور بدون يك دیگر مستقل معنی نمی دهند ؛ مانند: ۱- **فِي الْأَرْضِ \* ۲- مِنْ بَعْدِ \* ۳- عَلَى اللَّهِ \* ۴- إِلَى اللَّهِ \* ۵- بِكُلِّ \***

۱۲- (ص): علامت وقف مرخص است اگر به علت نرسیدن نفس در آیه های طولانی بالای این علامه وقف نمودیم بعداً کلمه وقف شده را تکرار نمایم و یا تکرار نمایم اشکالی ندارد ولی بهر حال وصل نمودن آیات با هم در این علامه بهتر است؛ مانند: **وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا ﴿ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴾ وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ﴿** سوره مبارکه الشمس آیات (۱-۳)

۱۳- (ك): علامت وقف كذلك یعنی با وقف قبلی یکسان است و غالباً بعد از وقف جایز نگاشته میشود. و یا به عباره دیگر بالای کلمه یا آیتکه علامت (ك) بیاید به این مفهوم میباشد که این آیت و آیت قبلی در مورد يك موضوع بوده و يك موضوع را تشریح میکند.

۱۴- (ق) علامت وقف قدقيل است وقف و وصل جایز است ولی وقف بهتر است از همین سبب در بعضی نسخه های قدیمی قرآنکریم (ق) و (صلی) که نشان وصل است نگاشته شده است ؛ مانند: **\* هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ه تَمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ ه وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿** سوره مبارکه البقره آیت (۲۹)

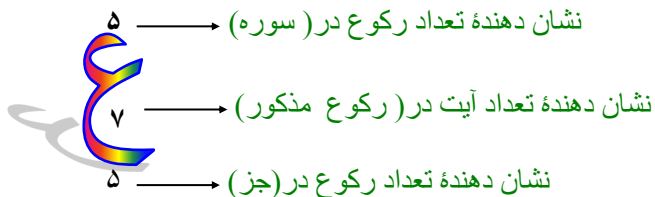
۱۵- (قلا): یعنی وقف نکنید وقف جایز ولی وصل بهتر است.

۱۶- (قف): علامت قف یعنی وقف کنید، وقف و وصل هر دو جایز است لیکن وقف بهتر است ؛ مانند: **الرَّا كِتَابٌ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى طِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿** سوره مبارکه ابراهیم آیت (۱)

۱۷- (صل): علامت وقف نبوده بلکه علامت وصل است ، که به جای (لا) نوشت میشود و باید وصل شود.

۱۸- (وقفه): علامت سکته طولانی است ؛ مانند: **حَتَّى تَوَارَتْ بِأَلْحَابِ ﴿** سوره مبارکه (ص) آیت (۳۲)

۱۹- (ع): علامت وقف نبوده بلکه علامت مذکور نشان دهنده رکوع در قرآنکریم است ، طوریکه قبلاً تذکر نمودیم که در قرآنکریم (۵۵۹) رکوع موجود است ، بدین لحاظ در ختم هر رکوع این علامت (ع) موجود است یکه علامت رکوع میتواند به شکل ذیل واقع شود البته نمرات که در قسمت بالا ، وسط و پائین (ع) قرار دارد به این مفهوم میباشد. ﴿



(\*): این علامت در مصاحف عثمانی موجود است که شرح کننده و افتتاح کننده (جزء ، نصف ، آیات ، رکوع و سورها) است.

## حروف حی طهر (ح ، ی ، ط ، ه ، ر)

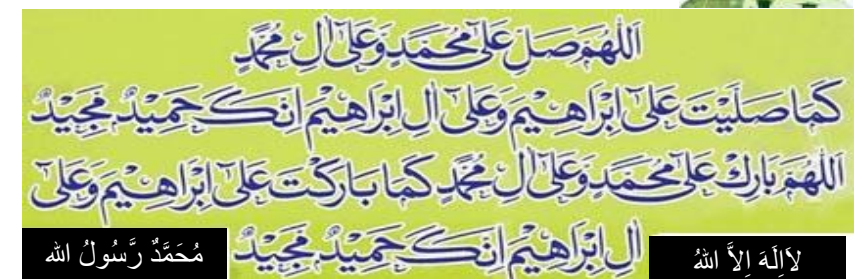
حروف حی طهر مد طبیعی میباشد حروف مذکور دارای دو حرکت است  
مانند: **طَه \* یَس \* حَم \* الرَّ \***

## حروف نَقْصَ عَسَلْکُمْ (ن ، ق ، ص ، ع ، س ، ل ، ک ، م)

این حروف از جمله حروف مد مثقل حرفی است ، که هرگاه از حروف مذکور در حروف مقطعات بیایند مد مثقل حرفی ادا میگردد. این حروف دارای شش حرکت میباشد ؛ مانند : **حَم □ \***  که (حا) از جمله حروف (حی طهر) و (میم) از جمله حروف (نقص عسلکم) میباشد. (حا) دو حرکت و (میم) شش حرکت دراز خوانده میشود .

به طور مثال: **المَص □ \* الم \* المرا \* عسق □ \* کهلِعص \* الرا \***

## وَمِنَ اللَّهِ تَوْفِيقٌ تَمَّتْ بِالْخَيْرِ .



٦- **عَنْ سَبِيلٍ \* ٧- بَلَّغِ \* ٨- كَذَلِكَ \***

## صفر مستدیر (١)

صفر مستدیر بالای حروف عله که عبارت از (واو ، الف ، یا) است میآید ، علامت مذکور نطق نمیشود نه در وصل و نه در وقف کلام تلفظ جاسی ندارد.

مانند: **قَالُوا \* اٰمَنُوا \* اَوْلٰئِكَ \* اُوْتِيَ \***

## صفر مستطیل (٥)

صفر مستطیل دایمًا بالای (الف) میآید و ما بعد آن متحرك میباشد اگر در بین آیت واقع شود (الف) بی مفهوم بوده تلفظ نمیگردد ، ولی اگر در اخیر آیت واقع شد (الف) بی مفهوم نبوده خوانده میشود.

به طور مثال:

١- **وَ لَا اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ .**

٢- **اَنَا خَيْرٌ مِّنْ .**

٣- **رَسُوْلًا ☀ .**

٤- **قَوَارِيرًا ☀ .**

## المعينة الشكن (لوزی شکل) (٥)

علامت مذکور تحت (را) در قول خداوند (ج) که فرموده است (بِسْمِ اللَّهِ مَجْرُئَهَا وَ مُرْسَلَهَا) دلالت به امالۀ فتحه به کسره و امالۀ (الف) به (یا) میکند ؛ یعنی در بین (الف) و (یا) خوانده شود ؛ همچنان علامت مذکور در کلمۀ (مَالِكٌ لَا تَأْمَنُ عَلٰى يٰوَسْفٌ) دلالت به اشمام میکند ، که لب ها به طرف ضمه اشاره میکند ؛ قسمیکه بدون صوت اشاره به طرف ضمه باشد یعنی صدای ضمه حذف شده باشد.

### (٥) نقطه

نقطه به خاطر آسان خواندن (همزه) و (الف) است یعنی هر دو تلفظ میگردد ، اولاً (همزه) ثانیاً (الف) با (عین) یکجائی تلفظ میگردد.

مانند: **ءَ اَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ .**

(د ، ه ، و) ساکن

علامت فوق علامت سکون است بالای هر حرفیکه این علامه باشد دلالت بر سکون میکند ؛ مانند: **مِنْ \* عَنْ \* خَيْرٍ \***



## دُعای حُبِّ قرآن

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدَ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ  
مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ عَلَى نَبِيِّكَ  
الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَكَانَ الْحَمْدُ  
رَبَّنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَيُحْرِمُ حَرَامَهُ  
وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُنْتَشَاهِهِ، وَاجْعَلْهُ  
لِي أُسَا فِي قَبْرِي وَأُسَا فِي حَشْرِي  
وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرْقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا  
دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ  
أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

کتابخانه

## مآخذها

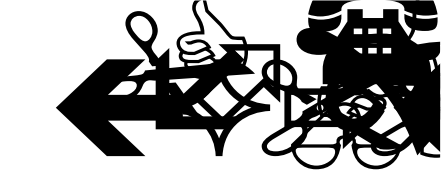
## مراجع و منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ریاض الصالحین
- ۳- تعلیم الدین
- ۴- فضائل اعمال
- ۵- المیسره احکام التجويد
- ۶- فنُ القرائت قرآن کریم
- ۷- تفسیر النمنه
- ۸- تفسیر خاص پاره سی
- ۹- مختصر اتجويد
- ۱۰- تجويد المحمدی
- ۱۱- اسرار المعانی فی علوم القرآن
- ۱۲- جلوه های از اسرار قرآن
- ۱۳- تفسیر کابلی
- ۱۴- تفسیر الحسینی
- ۱۵- فقه آسان

خواهران و برادران مسلمان !  
لطفاً مرا از نظریات نیک خویش و یا اخذ کتاب  
مبارکه به آدرس ذیل بامن در تماس شوید.

Nazifa Rahimi.  
P.O.Box 370314  
Reseda, CA 91337.  
Tajweed\_quran786@ yahoo.com









وَقَالَ نُوحِي

وَرَزَّلْنَا الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا

احکام تجوید در معرفت با قرآن

مؤلف:

نظیفه (رحیمی)

احکام تجوید  
القرآن







